

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

احکام اعتکاف

برگرفته از فتاوا و استفتائات فقهای معاصر

گروه علمی

اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی



احکام اعتکاف

نسخه ۳، خرداد ۱۳۹۱

آستان قدس رضوی

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

گردآوری: گروه علمی اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

ویراستار: سیدحمید حیدری‌ثانی

طراح جلد: علی بیات

نشانی: حرم مطهر امام‌رضاعلیه‌السلام، صحن جمهوری اسلامی، اداره پاسخ‌گویی به

سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰۳۰۳ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲

رایانامه eppasokh@aqrazavi.org

فهرست

درآمد	۹
فصل اول: تعریف اعتکاف	۱۱
۱.۱. وقت اعتکاف	۱۲
۲.۱. اقسام اعتکاف	۱۲
فصل دوم: نیابت در اعتکاف	۱۳
فصل سوم: شروط اعتکاف	۱۵
۱.۳. اسلام، ایمان	۱۵
۲.۳. عقل	۱۵
۳.۳. نیت	۱۶
۴.۳. روزه	۱۹
۵.۳. عدد	۲۶
۶.۳. مسجد جامع بودن	۳۱
۷.۳. إذن شوهر، والدین و صاحب کار	۳۷
۸.۳. استمرار ماندن در مسجد	۴۱
فصل چهارم: مسائل شروط اعتکاف	۴۵
۱.۴. ارتداد	۴۵
۲.۴. عدول از نیت	۴۶

- ۳.۴. نیابت از اکثر ۴۶
- ۴.۴. نوع روزهٔ اعتکاف ۴۷
- ۵.۴. قطع اعتکاف ۴۹
- ۶.۴. نذر اعتکاف ۵۰
- ۷.۴. احکام مسجد ۶۵
- ۸.۴. اعتکاف بچۀ ممیّز ۷۲
- ۹.۴. برگشت از اجازه پس از آن ۷۲
- ۱۰.۴. صورت‌های جواز خروج از مسجد ۷۳
- ۱۱.۴. حکم جنابت در اعتکاف ۷۷
- ۱۲.۴. غضب در اعتکاف ۸۰
- ۱۳.۴. فراموشی در غضب ۸۱
- ۱۴.۴. خارج‌نشدن در صورت وجوب خروج ۸۲
- ۱۵.۴. رعایت نزدیک‌ترین راه و زیر سایه رفتن ۸۲
- ۱۶.۴. خروج طولانی ۸۳
- ۱۷.۴. تفاوت‌نداشتن اقسام بودن در مسجد ۸۴
- ۱۸.۴. طلاق رجعی در اعتکاف ۸۴
- ۱۹.۴. زمان واجب‌شدن اعتکاف ۸۶
- ۴.۲۰. شرط خروج از اعتکاف و شرط منافی ۸۷
- ۲۱.۴. شرط عدول در نذر ۸۸
- ۲۲.۴. شرط حق عدول و فسخ اعتکاف دیگر ۹۰
- ۲۳.۴. تعلیق در اعتکاف ۹۰
- فصل پنجم: محرمات اعتکاف ۹۱**
- ۱.۵. آمیزش ۹۱
- ۲.۵. استمنا ۹۲
- ۳.۵. بوییدن بوی خوش ۹۲
- ۴.۵. خرید و فروش ۹۵
- ۵.۵. حکم انشاء عقد بیع و شراء از طریق تلفن همراه ۹۶

۹۶ ۶.۵. جدال
۹۷ فصل ششم: مسائل محرمات اعتکاف
۹۷ ۱.۶. عدم فرقی در محرمات بین روز و شب
۹۸ ۲.۶. اشتغال به امور دنیوی
۹۸ ۶.۳. مبطلات اعتکاف
۱۰۰ ۴.۶. انجام سهوی محرمات
۱۰۱ ۵.۶. قضای اعتکاف
۱۰۳ ۶.۶. عدم فوریت قضای اعتکاف
۱۰۳ ۷.۶. قضای اعتکاف میت
۱۰۳ ۸.۶. باطل نبودن معامله در هنگام اعتکاف
۱۰۴ ۹.۶. کفاره اعتکاف
۱۰۴ ۱۰.۶. تعدد کفاره
۱۰۷ کتابنامه



درآمد

این کتاب برگرفته از جزوه/اعتکاف بر نهج عروه الوثقی، نسخه اول است. در اینجا از آوردن متن استفتائات در صورت تکرار خودداری کرده‌ایم. در این مختصر کوشیده‌ایم تمام فتاوی مراجع عظام را گرد آوریم. علاقه‌مندان به توضیح بیشتر یا دیدن اصل فتوا، می‌توانند به/اعتکاف بر نهج عروه الوثقی نسخه اول مراجعه کنند که گروه علمی اداره پاسخ‌گویی به سوالات دینی آستان قدس رضوی تهیه و تنظیم کرده است.

این اثر حاصل تلاش فراوان استادان محترم، حجج اسلام آقایان ضیایی، صادقی، آدینه‌دوست، خادم‌الخمسه، انصاری و عربی است.

آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره پاسخ‌گویی به سوالات دینی



فصل اول تعریف اعتکاف

اعتکاف توقف و ماندن در مسجد به قصد عبادت است
(مشهور).^۱

آیت‌الله مکارم:

اعتکاف عبارت است از: «توقف و ماندن در مسجد به قصد عبادت»، بنابراین صرف ماندن در مسجد بدون قصد عبادت در حالی که غرق در مسائل دنیوی است و اهمیتی به چیز دیگری نمی‌دهد، دیگر اعتکاف نامیده نمی‌شود؛ زیرا اطلاق ادله اعتکاف، انصراف دارد به آنچه مسجد برای آن ساخته شده است که عبادت خدا و بندگی اوست، نه توقف در مسجد بدون انجام دادن هیچ عبادت دیگر.^۲

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۵؛ وسیلة النجاة، مسئله ۱۱۸۷؛ بهجت، استفتائات، ج ۲، سؤال ۳۱۲۲.
۲. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۶۹.

آیات عظام گلپایگانی و صافی:

اعتکاف قصد عبادت به صرف ماندن در مسجد است و احوط آن است که نیت عبادت دیگری غیر از اعتکاف را نیز به آن ضمیمه کند.^۱

۱.۱. وقت اعتکاف

در هر زمانی که روزه در آن صحیح است، اعتکاف نیز صحیح است. بهترین وقت اعتکاف، ماه مبارک رمضان است و برترین اوقات ماه رمضان، دهه آخر آن است.^۲

۲.۱. اقسام اعتکاف

اعتکاف تقسیم می شود به واجب و مستحب. اعتکاف در اصل و اساس شریعت، مستحب است و به سبب نذر یا عهد و قسم یا به عنوان شرط ضمن قراردادی یا به صورت اعتکاف استیجاری^(۱) و مانند این ها واجب می شود.

(۱) آیت الله مکارم:

اعتکاف در اصل مستحب است؛ ولی ممکن است به سبب نذر یا عهد یا قسم یا شرط ضمن عقد یا مانند آن واجب شود. و اما اعتکاف استیجاری مشکل است.^۳

۱. گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷، مسئله ۱۴۰۱؛ لطف الله

صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۵.

۳. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۰.



فصل دوم نیابت در اعتکاف

اعتکاف را می‌شود از طرف خود یا شخص دیگری به‌جا آورد که از دنیا رفته است؛ اما به‌نیابت از شخص زنده دو قول است: قول اول جواز است که بعید نیست همین درست باشد؛^(۱) بلکه این اقوی است. اینکه شرط اعتکاف روزه است و روزه را به‌نیابت از شخص زنده نمی‌توان انجام داد، به این قول ضرر نمی‌زند؛ چراکه شرط روزه در اعتکاف، یک شرط تبعی است، مانند نماز در طواف که جایز است در آن نیابت از طرف شخص زنده.^۱

(۱) آیات عظام گلپایگانی، اراکی، تبریزی، بهجت:

صحت آن مورد اشکال است.^۲

آیت‌الله خویی:

بهتر است رجاء آورده شود.^۳

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۵.

۲. حاشیة العروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۵؛ بهجت، استفتانات، ج ۲،

ص ۴۴۰؛ تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۲.

۳. همان.

حضرت امام و آیت‌الله فاضل:

بهتر است به امید ثواب (رجاء) آورده شود؛ بلکه این احوط است.^۱

آیت‌الله مکارم:

می‌توان انجام داد؛ ولی احتیاط این است که قصد اهدای ثواب کند.^۲



۱. همان.

۲. مکارم، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰، سؤال ۴۷۰.



فصل سوم شروط اعتکاف

۱.۳. اسلام، ایمان

شرط اول ایمان است، پس از غیرمؤمن صحیح نمی باشد.^۱
آیت الله سیستانی ایمان را شرط صحت نمی دانند.^۲ آیت الله
مکارم در جایی می فرمایند شرط قبول است و در جایی
دیگر احتیاط واجب دارند که ایمان و اسلام هر دو در
معتکف باشد.^۳

۲.۳. عقل

شرط دوم عقل است، بنابراین اعتکاف از دیوانه^(۱) و مست و
غیر اینها از کسانی که فاقد عقل هستند، صحیح نمی باشد.^۴

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۵.

۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱، مسئله ۱۰۶۸؛ تعلیقات
علی العروة، ص ۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۶.

۳. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱، مسئله ۱۰۶۸؛ تعلیقات
علی العروة، ص ۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۶.

۴. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۶.

(۱) حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی و مکارم:

گرچه ادواری باشد، در دوره جنونش.^۱

آیت‌الله مکارم:

پرسش: هرگاه معتکف به هر علتی از هوش برود یا بنا بر ضرورت، وی را بی‌هوش کنند، اعتکافشان چه حکمی دارد؟ پاسخ: گرچه بسیاری از فقها اغما را با جنون یکسان می‌دانسته‌اند، ولی با توجه به تفاوت مهمی که این دو باهم دارد، حکم جنون بر اغما جاری نمی‌شود.^۲

۳.۳. نیت

قصد قربت، یعنی انجام اعتکاف صرفاً برای رضایت پروردگار عالم، در همه عبادات از جمله اعتکاف شرط است.^(۱) در صورتی که اعتکاف‌های متعددی برعهده داشته باشد،^(۲) باید علاوه بر قصد قربت، در نیت خود هر چند اجمالاً معین کند که کدام یک از اعتکاف‌های مذکور را به‌جا می‌آورد.

قصد وجه در اعتکاف، مانند سایر عبادات، معتبر نیست؛ اما اگر خواست قصد وجه کند، در اعتکاف واجب قصد وجوب می‌کند^(۳) و در اعتکاف مستحب قصد استحباب. و در قسم دوم (اعتکاف مستحبی) واجب بودن روز سوم که جزء آن است، ضرری به نیت استحباب اول ندارد؛ زیرا وجوب روز سوم از احکام اعتکاف است. پس از این جهت همانند نماز نافله است، اگر بگوییم بعد از شروع در آن واجب می‌شود.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۷؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله الصافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۳۶؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۱.

۲. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۰۶.

ولکن بهتر است^(۴) در هنگام شروع اعتکاف، وجوب روز سوم را نیز ملاحظه کند؛ بلکه نیت وجوب را در روز سوم تجدید نماید.^۱ و اگر اشتبهاً نیت وجوب برای اعتکاف استحبابی کند یا به عکس، ضرری به اعتکافش نمی‌زند؛ مگر اعتکافش را مقید به وجوب کند،^(۵) نه فقط اشتباه در تطبیق باشد (مشهور).^۲

آیت‌الله مکارم:

(۱) بنابراین، چنانچه هدف معتکف ریا و خودنمایی و مانند آن باشد، اعتکافش باطل است.^۳

(۲) مثل اینکه بر اثر نذر، قسم، عهد و شرط ضمن عقد، چهار اعتکاف بر خویش واجب کرده باشد.

حضرت امام و آیت‌الله فاضل:

(۳) در نذر و مانند آن (عهد و قسم و اجاره) وجوب، وجه قرار نمی‌گیرد؛ پس معنا ندارد وجوب را به عنوان قصد وجه، نیت کند؛ بلکه قصد استحباب می‌کند به خاطر وفای به نذر یا عهد یا اجاره.^۴

آیت‌الله گلپایگانی:

(۴) بلکه احتیاط این است، اگر می‌خواهد قصد وجه کند.^۵

آیت‌الله خویی:

(۵) اثری برای تقیید در امثال این موارد نیست.^۶

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۶.

۲. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۶.

۳. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۲.

۴. حاشیه عروه، ج ۲، ص ۷۶.

۵. همان.

۶. همان.

آیت‌الله بهجت:

احتیاط (مستحب) آن است که قصد وجه کند.^۱

۱.۳.۳. وقت نیت

وقت نیت، قبل از فجر است^(۱) و در کفایت کردن نیت در سر شب، آن چنان که در روزه گذشت، اشکال است.^(۲) آری اگر اعتکاف را از سر شب یا اثنای شب آغاز کرد، از همان زمان نیت کند (مشهور).^۲

(۱) حضرت امام و آیات عظام مکارم و فاضل:

اقوی آن است که بگوییم وقتی برای نیت، شرعاً نیست؛ بلکه ملاک همان حصول روزه با عزم بر انجام آن که در نهاد انسان است، می‌باشد. و اینکه این عزم و اراده در چه موقعی از شب باشد، فرقی نمی‌کند.^۳

(۲) آیت‌الله گلپایگانی:

مگر با استمرار عزم و اراده تا طلوع فجر؛ همان‌طور که در روزه بیان شد.^۴

حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، بهجت، رهبری، سیستانی و صافی:

ابتدای وقت اعتکاف، اول فجر از روز اول است؛ یعنی تأخیر از این وقت جایز نیست. اما جایز است آغاز اعتکاف از اول شب یا اثنای شب باشد و از همان زمان نیت کند؛ بلکه

۱. بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۱.

۲. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۶؛ اعتکاف عبادتی کامل مطابق با فتاوی

آیت‌الله مکارم، ص ۷۲، مسئله ۱۳.

۳. حاشیة عروه.

۴. حاشیة عروه.

احتیاط آن است که شب اول را نیز داخل در اعتکاف قرار دهد و از اول شب اول، نیت نماید.^۱

آیات عظام خویی، وحید، سیستانی و فاضل:

مقارن با شروع اعتکاف باید نیت کرد یعنی در اعتکاف باید از اول تا آخرش به همراه نیت باشد.^۲ بنابراین شب در مسجد ماندن (خوابیدن) به قصد اینکه اعتکافش را از اول روز شروع کند، مشکل است (وحید و سیستانی: اشکالی ندارد). آری نیت اعتکاف از شب هم‌زمان با شروع در آن اشکال ندارد.^۳

آیت‌الله تبریزی:

پرسش: زمان نیت اعتکاف چه وقت است؟ آیا می‌توان اول شب نیت کرد؟

پاسخ: زمان نیت اعتکاف وقت شروع اعتکاف است که طلوع فجر می‌باشد، و با استمرار نیت از اول شب مانعی ندارد؛ و الله العالم.^۴

۴.۳. روزه

شرط چهارم روزه است. اعتکاف بدون روزه صحیح نیست؛^۱ بنابراین اعتکاف مسافر در غیر مواضعی که روزه برای او

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۷؛ گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۱؛ بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۳۹، سؤال ۳۱۲۷؛ مجموعه استفتانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایت ایشان www.leader.ir

۲. فاضل، الاحکام الواضحه، ص ۲۶۸.

۳. خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۱.

۴. تبریزی، استفتانات جدد، ج ۱، ص ۱۵۳، سؤال ۷۳۵.

جایز است، صحیح نیست. و همچنین اعتکاف زن حائض و نفساء،^(۱) و اعتکاف در دو عید فطر و قربان. بلکه اگر وارد اعتکاف شود، به گونه‌ای که روز سوم آن، عید (فطر و قربان) باشد، باطل است حتی اگر در هنگام شروع اعتکاف، غافل باشد (مشهور).

(۱) آیت‌الله گلپایگانی:

علاوه بر روزه، خود اعتکاف، یعنی ماندن در مسجد نیز برای حائض و نفساء جایز نیست.^۲

حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی و بهجت و فاضل و سیستانی:

لازم نیست که روزه برای اعتکاف باشد؛ بلکه روزه غیر اعتکاف هم کفایت می‌کند؛ چه واجب باشد، چه مستحب، خواه برای خودش انجام دهد و خواه از دیگری به عهده گرفته باشد، (بهجت و فاضل:^۳ لکن احوط آن است که روزه نیز به نیابت کسی باشد که اعتکاف به نیابت او است.) بدون اینکه فرقی بین اقسام اعتکاف و انواع روزه باشد.^۴

حضرت امام و آیات عظام بهجت و گلپایگانی و فاضل و سیستانی:

حتی صحیح است که اعتکافی را که نذر کرده یا برای انجام آن اجیر شده است، در ماه رمضان انجام دهد؛ اگر قرینه‌ای که آن را منصرف به غیر ماه رمضان کند، در بین نباشد. بلکه اگر اعتکاف در روزهای معینی را نذر کند و روزه نذر

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۶.

۲. حاشیة عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۶.

۳. عروة الوثقی، مسئله ۴.

۴. تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۲۷۸؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله صافی، هدایة العباد؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۱.

هم به گردنش باشد، اگر روزه نذری را در ایام اعتکاف بگیرد، مجزی است.^۱

پرسش: آیا در اعتکاف می‌توان روزه استیجاری گرفت؟

حضرت امام و آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، نوری همدانی، اراکی، خویی، تبریزی، بهجت و صافی گلپایگانی:

روزه استیجاری در اعتکاف جایز است.^۲

آیات عظام مکارم و فاضل:

روزه استیجاری در اعتکاف محل تأمل و اشکال است.^۳

۱.۴.۳ حکم حائض و مستحاضه

حائض نمی‌تواند معتکف شود یا به اعتکافش ادامه دهد؛ چون علاوه بر اینکه توقف او در مسجد حرام است، روزه هم نمی‌تواند بگیرد.

پرسش: آیا زن مستحاضه (متوسطه و کثیره) می‌تواند در مسجد توقف نماید؟

حضرت امام و آیات عظام سیستانی، خویی، وحید و نوری همدانی:

توقف مستحاضه در مساجد (غیر از مسجدین) مطلقاً جایز است.^۱ بنابراین جواز اعتکاف زن مستحاضه، بر انجام دادن

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۸؛ بهجت، وسیله النجاة، ص ۳۳۱؛ عروة الوثقی، مسئله ۶.

۲. خمینی، تحریر الوسیله، ص ۵۵۶، الثالث؛ سیستانی، عروة الوثقی، ص ۸۳، الاعتکاف، سئل: «نور همدانی، همان؛ اراکی، همان؛ سیستانی، همان؛ تبریزی، استفتائات، ص ۵۵، سؤا ۱۵۰؛ سی‌دعلی خامنه‌ای، جزوه اعتکاف جامع الزهر، ص ۳؛ بهجت، وسیله النجاة، ص ۳۱، با استفاده از الثالث؛ صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ص ۳۷، الثالث.

۳. مکارم شیری، استفتائات، ص ۶۲، دؤا ۴۸۱؛ تعلیقه بر عروة الوثقی، ص ۸۵، ذیل مسئل؛ فاضل، تعلیقه بر عروة الوثقی، همان.

غسل‌های مربوط به نمازش، متوقف نیست. البته در اینجا اقوال برخی دیگر از مراجع نیز هست که انجام دادن این غسل‌ها را لازم می‌دانند:

مقام معظم رهبری:

غسل‌هایی مثل غسل‌های استحاضه، شرط صحت اعتکاف نیست؛ مگر غسل‌هایی که در صحت روزه معتبر هستند.^۲ در صورت حائض شدن، حتی اگر در ساعات آخر روز سوم باشد، اعتکاف باطل می‌شود؛ ولی در صورت استحاضه شدن اگر به وظیفه مستحاضه نسبت به روزه‌اش عمل کند، اعتکافش صحیح است.

زنی که معتکف است و شک در حیض یا استحاضه دارد، چه در روز اول یا دوم یا سوم باشد؛ اگر حالت قبلی او پاک بودن است، نباید به شکش اعتنا کند.^۳

آیات عظام صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی :

توقف مستحاضه مشروط به غسل صلاتی اوست.^۴

آیت‌الله شبیری زنجانی :

در استحاضه متوسطة و قليلة، مطلقاً توقف برای زن مستحاضه جایز است و در استحاضه کثیره اگر خانم

۱. سیستانی، تعلی‌قه بر عرو، الاستحاضه، سئل ۱۸؛ منهاج الصالحین، م ۱۰، سئل ۵۲؛ خ و ی و وحی، منهاج الصالحین، م ۱۲، سئل ۵۲؛ نور همدانی، تعلی‌قه بر عرو، الاستحاضه، سئل ۱۸؛ رساله، ص ۷۱، سئل ۲۹؛ روح‌الله خمینی، تعلی‌قه بر عرو، الاستحاضه، سئل ۱۸؛ رساله م ۱۵، سئل ۴۲۸. همان.

۲. مجموع استفتائات حضرت آیة الله خامنه‌ای در سایت‌های: www.leader.ir

۳. صافی گلپایگانی، رساله، م ۱۵، سئل ۴۳۴؛ مکارم شیرازی، تعلی‌قه بر عرو، ص ۲۷۷، الاستحاضه، سئل ۱۸.

غسل‌های واجب خود را انجام داده، می‌تواند در مسجد توقف کند.^۱

پرسش: آیا زن مستحاضه می‌تواند معتکف شود؟ با توجه به اینکه روزه شرط اعتکاف است، وظیفه او نسبت به روزه چیست؟

پاسخ: الف. در کثیره

۱. نسبت به غسل‌های روزانه:

حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، وحید، خویی، نوری همدانی:

باید انجام دهد.^۲

و عده‌ای دیگر فرمودند: بنابر احتیاط واجب انجام دهد.^۳

۲. نسبت به غسل‌های شب گذشته:

برخی از مراجع فرموده‌اند: باید انجام دهد.^۴

و عده‌ای دیگر فرموده‌اند: بنابر احتیاط واجب انجام دهد.^۵

۳. اما نسبت به غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد:

عده‌ای فرموده‌اند: بنابر احتیاط واجب غسل شب بعد را هم

انجام دهد.^۶

ب. در استحاضه متوسطه

۱. نسبت به غسل روزانه سه نظر است:

۱. شیخی زنجانی، رساله، م ۱۰۲، سئل ۴۳۴.

۲. روح‌الله خمینی، رساله، م ۱۳، سئل ۴۱۸؛ فاضل، الاحکام الواضحه،

م ۱۰، سئل ۶۶؛ گلپایگانی، رساله، م ۱۰، سئل ۲۴؛ وحید

خراسانی، رساله، م ۱۴، سئل ۲۴؛ خدی، رساله، م ۱۲،

سئل ۲۴؛ نوری، رساله، م ۹، سئل ۴۱۹.

۳. مکارم، رساله، م ۱۲، سئل ۲۴؛ صافی، رساله، م ۴، سئل ۴۲۴.

۴. مکارم، همان؛ گلپایگانی، همان.

۵. امام، همان؛ فاضل، همان؛ صافی، همان؛ نوری، همان؛ خدی، همان؛

وحید، همان.

۶. همان.

۱.۱. حضرت امام و آیات عظام فاضل و نوری:

باید انجام دهد.

۲.۱. آیات عظام صافی و گلپایگانی:

بنابر احتیاط واجب انجام دهد.

۳.۱. آیات عظام خوبی و سیستانی و وحید:

صحت روزه او متوقف بر انجام غسل نیست.

۲. نسبت به غسل شب گذشته: (بنابر نظر کسانی که غسل شب گذشته را بر مستحاضه متوسطه لازم می‌دانند.)

امام خمینی و آیات عظام صافی و فاضل و نوری:

بنابر احتیاط واجب انجام دهد.

آیت‌الله گلپایگانی:

باید انجام دهد.^۱

پرسش: آیا مستحاضه می‌تواند جهت انجام غسل واجب

استحاضه از مسجد خارج شود؟

پاسخ: بله، می‌تواند برای انجام هر کار ضروری شرعی

مانند غسل واجب، از مسجد خارج شود.^۲

تبصره ۱: جواز خروج مشروط به اکتفا به قدر ضرورت

است.

تبصره ۲: تأخیر برای صابون‌زدن و امثال آن، اشکال

دارد.

نکت: گفتنی است آیة الله سیستانی در هیء کدام از اقسام

استحاضه (متوسطه و کثیره) صحت روزه زن مستحاضه را مشروط به

غسل کردن او نمی‌داند. نکت: آیة الله مکار شی‌رازی استحاضه

متوسطه را قائل نیستند رساله ص ۱۹، سنل ۲۰۴) نکت: منابع در

صفحه قبل (بحث استحاضه کثیره) ذکر شده است.

همه مراجع، عروه الوثقی، ص ۱۴، الثامن.

۲.۴.۳. نذر روزه در سفر

مسافر در سفر نمی‌تواند روزه بگیرد؛ مگر اینکه نذر روزه در سفر در وطن خود کرده باشد و این نذر هم باید نذر شرعی باشد؛ یعنی تمام شرایط نذر که از آن جمله صیغه نذر است را دارا باشد.

پرسش: آیا در سفر می‌توان نذر روزه کرد؟

پاسخ: نذر روزه در سفر جایز نیست؛ بلکه باید در حضر یا همان وطن خود باشد. (مشهور)^۱

آیات عظام سیستانی و زنجانی :

نذر روزه در سفر جایز است.^۲

آیت‌الله مکارم:

اشکال دارد؛ ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.^۳

تذکر: مسافری که با نذر روزه گرفته است، نمازش شکسته است.

پرسش: آیا با وجود روزه قضا می‌توان نذر روزه کرد؟ (روزه نذری را در اعتکاف بگیرد.)

حضرت امام و آیات عظام مکارم و سیستانی و تبریزی:

اشکال دارد (مطلقاً).^۴

۱. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۷۱۷؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۵۸۴؛ صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴، سؤال ۵۱۶؛ نوری همدانی، استفتانات، ج ۱، سؤال ۳۳۱؛ سیدعلی خامنه‌ای.

۲. سیستانی، رساله جوان، ص ۲۰۷، درس ۶۳؛ زنجانی، توضیح المسائل مراجع، ذیل مسئله ۱۷۱۷.

۳. مکارم شیرازی، اعتکاف عبادتی کامل.

۴. مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، ص ۱۵۱، مسئله ۴۳۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، فصل السابع؛ تبریزی، استفتانات، ج ۲،

آیت‌الله صافی:

می‌تواند نذر کند.^۱

آیت‌الله فاضل:

در نذر معین در صورتی که گرفتن قضای روزه‌های خودش قبل از آن ممکن باشد، مانعی ندارد.^۲

مقام معظم رهبری:

در نذر معین اشکال ندارد. بنابر احتیاط واجب، اول روزه قضا را بگیرد.^۳

۵.۳. عدد

پنجم از شرایط، اعتکاف نباید کمتر از سه روز باشد. پس اگر کمتر از سه روز را نیت کند، اعتکاف باطل است. و اما اگر بیشتر از سه روز باشد، اشکالی ندارد؛ گرچه مقدار بیشتر به اندازه یک روز کامل باشد یا مقداری از روز یا یک شب کامل یا مقدار از شب. بنابراین حدی برای اکثر از سه روز نیست.

بله، اگر پنج روز معتکف شد، واجب است روز ششم. بلکه بعضی از علما فرموده‌اند به‌طور کلی هرگاه دو روز اضافه کند، واجب است روز سوم آن را معتکف شود.

ص ۳۸۵، مسئله ۱۵۹۶؛ روح‌الله خمینی، استفتانات، ج ۱، ص ۳۳۶، سؤال ۹۷.

۱. صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۳۹، سؤال ۴۹۵.

۲. فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۵۴، سؤال ۵۸۵.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، جزوه نذر جامعه‌الزهر، ص ۱۲.

بنابراین اگر هشت روز معتکف شود، واجب است روز نهم و همچنین در اعداد بالاتر. و در این کلام تأمل است.^۱

حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، بهجت، فاضل، صافی و سیستانی:

حداکثری برای اعتکاف نیست؛ گرچه برای هر دو روز، روز سوم واجب می‌شود. پس هرگاه پنج روز معتکف شد، روز ششم نیز واجب می‌گردد و هرگاه هشت روز معتکف شد، روز نهم واجب می‌شود، بنابر احتیاط و به‌همین ترتیب در بیشتر از آن.^۲

برای فهم بهتر این مسئله مراجعه کنید به:

مسئله ۳... اعتکاف روز سوم برای هر دو روز اعتکاف در سومین روز اول و سومین روز دوم (یعنی روز ششم) بنابر اقوی، واجب است و بنابر احتیاط در سایر سوم‌ها.^۳

آیت‌الله تبریزی:

بیشتر از سه روز نیز می‌توان اعتکاف کرد؛ به‌طوری‌که آن زیاده قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد. و همچنین کسی که پنج روز در اعتکاف بوده، روز ششم بر او واجب است.^۴

آیت‌الله مکارم:

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۶؛ تحریر الوسیله و هدایة العباد و منهاج الصالحین خوبی و وحید و سیستانی با آدرس‌هایی که در ذیل می‌آید و اعتکاف عبادتی کامل آیت‌الله مکارم.

۲. امام، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله صافی، هدایة العباد، ج ۱؛ پاسخ به سیصد مسئله، ج ۲، موجود در سایت؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳.

۳. روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، مسئله ۳ از مسائل شرایط اعتکاف؛ گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷، مسئله ۱۴۰۷.

۴. تبریزی، استفتانات جدد، ج ۱، ص ۱۵۴.

...اگر به اعتکاف نُه‌روزه‌اش دو روز اضافه نماید، روز دوازدهم نیز واجب می‌شود...؛ ولیکن این سخن جای گفت‌وگو دارد و محلّ تأمل است.^۱

اعتکاف بیش از سه روز هم جایز است؛ ولی هرگاه دو روز اضافه کند، بنابر احتیاط واجب روز سوم را هم بر آن بیفزاید؛ ولی بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب، اشکال دارد.^۲

تذکر: اگر اعتکاف روز اول به هر علتی باطل شد یا معتکف روز اول بعد از اذان صبح وارد مسجد شده و نیت اعتکاف کرد و روز دوم و روز سوم را در مسجد ماند، ماندن روز چهارم هم واجب می‌شود. ولذا چنین شخصی اگر نمی‌خواهد روز چهارم بماند، نباید از روز اول نیت اعتکاف کند؛ بلکه فقط به نیت عبادت در مسجد بماند.

۱.۵.۳. روز اعتکاف

روز از طلوع فجر آغاز می‌شود تا غروب حُمرة مشرقیه. بنابراین در صحت اعتکاف، داخل کردن شب اول و شب چهارم شرط نیست، گرچه جائز است؛ همان‌طور که قبلاً اشاره شد. اما دو شبی که در وسط سه روز قرار دارد، داخل در اعتکاف است. و در محاسبه سه روز به صورت تلفیقی اشکال است (مشهور).^۳

۱.۱.۵.۳. اعتکاف تلفیقی

حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی و بهجت:

۱. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۵.

۲. استقنانات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۷.

در کفایت سه روز تلفیقی به این صورت که از زوال روز اول اعتکافش را شروع کند تا زوال روز چهارم، تأمل و اشکال است.^۱

آیات عظام مقام معظم رهبری، خویی، فاضل، سیستانی، تبریزی و مکارم:

اعتکاف باید از شروع روز اول تا پایان روز سوم باشد و تلفیق کردن، بدین گونه که جزئی از روز اول را با جزئی از روز آخر، یک روز کامل به حساب بیاورد، صحیح نیست.^۲

آیت‌الله بهجت:

در جایی که اعتکاف سه روز باشد، صحت تلفیق محلّ تأمل و اشکال است و اگر بیشتر باشد و از اول، نیت آن را داشته است، تلفیق جایز است.^۳

۲.۱.۵.۳. حداقل و حداکثر اعتکاف

حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی و صافی و بهجت:

حداقل اعتکاف، سه روز است و حداکثری برای آن تعیین نشده است و هرگاه دو روز به اعتکاف اضافه کند، اعتکاف روز سوم واجب می‌شود و افضل ایام اعتکاف، ده روز آخر ماه رمضان است.^۴

مقام معظم رهبری:

۱. *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۲۸۸؛ *گلپایگانی، هدایة العباد*، ج ۱، ص ۲۷۷؛ *لطف‌الله صافی، هدایة العباد*، ج ۱؛ *بهجت، وسیلة النجاة*، ج ۱، ص ۳۳۱، مسئله ۱۱۹۱.

۲. مجموعه استفتانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایت ایشان: www.leader.ir؛ *عروة الوثقی*، کتاب الاعتکاف، الخامس؛ *تبریزی، استفتانات جدد*، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳. *بهجت، استفتانات*، ج ۲، ص ۴۴۳.

۴. *پاسخ به سیصد مسئله*، ج ۲، موجود در سایت آیت‌الله صافی، سؤال ۱۳۲.

اگر معتکف نیت چهار روز اعتکاف کند، روز چهارم داخل در اعتکاف نیست؛ ولی اگر پنج روز اعتکاف کند، واجب است روز ششم را کامل کند.^۱

آیات عظام خویی، وحید، سیستانی و فاضل:

اگر نذر اعتکاف کند، کمترین مقداری که به آن نذرش ادا می‌شود، سه روز است. و اگر کمتر از سه روز نذر کند، نذرش بسته نمی‌شود (سیستانی): اگر اعتکاف معهود را نذر کرده باشد، و الا صحیح است. و همچنین اگر سه روز معینی را نذر کند که اتفاقاً روز سوم آن عید باشد (پایان مسئله آیت‌الله فاضل). و اگر اعتکاف پنج روز را نذر کند، پس اگر به شرط عدم‌زیادی و نقصان باشد (بشرط لا) نذرش باطل است. اما اگر به شرط عدم‌زیادی باشد و لا بشرط نسبت به کمتر، اعتکاف سه روز بر او واجب است. و اگر به شرط عدم‌نقصان از پنج روز باشد و لا بشرط نسبت به زیادی، روز ششمی را به اعتکافش اضافه می‌کند، فرقی نمی‌کند که دو روز چهارم و پنجم را از سه روز اول جدا کند یا به آن ضمیمه نماید.^۲

۳.۱.۵.۳. منظور از روز در اعتکاف

حضرت امام و آیات عظام خویی، فاضل، سیستانی، گلپایگانی و تبریزی:

۱. مجموعه استفتائات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایت ایشان:

www.leader.ir

۲. خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج

الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱،

ص ۳۴۱۰؛ فاضل، الاحکام الواضحه، ص ۲۶۸.

از طلوع فجر تا مغرب است.^۱

آیت‌الله مکارم:

منظور از روز (در شرط پنجم) از ابتدای طلوع فجر (هنگام اذان صبح) تا غروب آفتاب است؛ هرچند احتیاط آن است که تا اذان مغرب محاسبه شود. بنابراین، اعتکاف شب اول و شب چهارم واجب نیست، هرچند جایز است؛ ولی شب دوم و سوم واجب است.^۲

روز اعتکاف از طلوع فجر تا غروب آفتاب است.^۳

آیت‌الله بهجت:

منظور، از طلوع فجر است تا غروب شمس نسبت به روز اول و آخر. و دو شبی که در وسط قرار می‌گیرد، داخل است.^۴

۶.۳. مسجد جامع بودن

اعتکاف باید در مسجد جامع باشد^(۱) و در غیرمسجد و مسجد قبیله و مسجد بازار صحیح نمی‌باشد. و اگر مسجد جامع متعدد باشد، بین آن‌ها مخیر است. و احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان، در مسجد الحرام یا مسجد النبی یا مسجد کوفه یا مسجد بصره^(۲) معتکف شود (مشهور).^۵

(۱) امام خمینی:

۱. تبریزی، استفتانات جدد، ج ۱، ص ۱۵۴؛ العروة الوثقی، الشرط الخامس.

۲. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۵.

۳. همان.

۴. بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۳.

۵. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۷.

اعتکاف در مسجد جامع به قصد رجاء و مطلوبیت بیاورد؛ و در مساجد دیگر صحیح نمی باشد. و در مساجد اربعه مذکوره صحیح است.^۱

مقام معظم رهبری:

اعتکاف در غیر مساجد اربعه مذکوره (هر مسجدی) به قصد رجاء و مطلوبیت مانعی ندارد.^۲

آیت الله سیستانی:

اعتکاف در مساجد اربعه مذکوره صحیح و احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان، در مسجد الحرام یا مسجد النبی یا مسجد کوفه یا مسجد بصره معتکف شود و در مسجد جامع جایز می باشد و اگر امامتش مختص به غیر عادل باشد، اعتکاف بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۳

آیت الله بهجت:

اعتکاف در مسجد جامع هر شهری صحیح است.^۴

۱.۶.۳. تعریف مسجد جامع

مسجدی است که اختصاص به گروه خاصی ندارد و اقشار مختلف مردم در آن رفت و آمد می کنند (مشهور).

مقام معظم رهبری:

مسجد جامع مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است، بدون اینکه اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد.^۱

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲. مجموعه استفتائات در سایت.

۳. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۲.

۴. بهجت، استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۳.

آیت‌الله مکارم:

و منظور از مسجد جامع مسجدی است که به‌طور مرتب در آن نماز جماعت برگزار می‌گردد. بنابراین، در تمام چنین مساجدی اعتکاف جایز است.^۲ مسجد جامع مسجدی است که قشرهای مختلف در آن شرکت می‌کنند.^۳

آیت‌الله گلپایگانی:

مسجدی است که اغلب اوقات، بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد.^۴

آیت‌الله فاضل:

یعنی مسجد عمومی که محل اجتماع عامه مردم است و اختصاص به اهل یک محله و گروه خاصی نداشته باشد.^۵

آیت‌الله تبریزی:

در سال یک دو بار اهالی شهر در آن نماز می‌خوانند.^۶

آیت‌الله بهجت:

اکثر اهالی شهر در آنجا نماز می‌خوانند.^۷

۲.۶.۳. راه‌های احراز مسجد جامع

مسجدیّت یا جزئیّت برای آن، به علم یا شیوع مفید علم یا اطمینان یا به‌بینه یا به حکم حاکم شرع ثابت می‌شود و در خیردادن عدل واحد تأمل است و مسجد جامع مسجدی

۱. اجوبه الاستفتانات، سؤال ۴۰۱.

۲. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۰.

۳. مکارم، استفتانات، ج ۲، ص ۱۵۸، سؤال ۲۵۶.

۴. گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، سؤال ۱۰۱.

۵. فاضل، ج ۱، سؤال ۶۱۷.

۶. تبریزی، استفتانات، ج ۲، مسئله ۶۵۶.

۷. بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۳، مسئله ۳۱۳۸.

است که اکثر اهالی شهر در آنجا نماز می‌خوانند، هر چند از آن محل هم نباشد.^۱

۳.۶.۳. مساجد جدیدالتأسیس

پرسش: برخی از مسجدهای جامع در شهرها، در قدیم مرکزیت و جامعیت داشته و فعلاً به‌حالت نیمه‌متروک در آمده و جامعیت خود را از دست داده است؛ هر چند هنوز به آن مسجد جامع اطلاق می‌شود و درعوض، مسجدهای بزرگ با مرکزیت بیشتری ساخته شده است. آیا اعتکاف در این‌گونه مساجد جدیدالتأسیس، بدون عنوان مسجد جامع صحیح است؟

پاسخ: باید عنوان مسجد جامع صدق کند.^۲

۴.۶.۳. تعدد در مسجد جامع

در صورت تعدد، مخیر است در هر یک از آن مساجد اعتکاف نماید.^۳

۵.۶.۳. اعتکاف در مسجد مقدس جمکران

آیت‌الله بهجت:

صحیح نیست؛ چون مسجد جامع شهر نیست.^۴

آیت‌الله صافی:

مسجد جمکران در حال حاضر از مساجد جامع محسوب می‌شود و اعتکاف در آن صحیح است.^۵

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. صافی، جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴.

۶.۶.۳. اعتکاف در مساجد دیگر (مثل مسجد دانشگاه)

مقام معظم رهبری:

قبلاً گذشت که اعتکاف در هر مسجدی، حتی غیر از مسجدهای چهارگانه، تاهنگامی که بر آن مکان، اسم مسجد صدق کند، جایز است؛ مشروط به اینکه به قصد رجاء باشد، یعنی به امید اینکه مطلوب خداوند واقع شود و مختص به مسجد جامع نیست و ممکن است که یک شهر یا روستا چند مسجد جامع داشته باشد.^۱

آیت‌الله صافی:

اعتکاف در غیر مسجد جامع صحیح و مشروع نیست و احکام اعتکاف را ندارد. مسجد جامع مسجدی است که اختصاص به گروه و قبیلۀ خاصی ندارد و اقشار مختلف مردم در آن رفت‌وآمد می‌کنند.^۲

آیت‌الله بهجت:

صحیح نیست؛ چون مسجد جامع شهر نیست.^۳

آیت‌الله فاضل:

یکی از شرایط صحت اعتکاف این است که در مسجد جامع باشد؛ یعنی مسجد عمومی که محلّ اجتماع عامۀ مردم است و اختصاص به محله و گروه خاص ندارد؛ مثل مسجد اعظم و مسجد امام در قم و مسجد امام و جمعه تهران. بنابراین در مسجد بازار و محله، اعتکاف صحیح نیست.^۴

۱. مجموعه استفتانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایت ایشان.

۲. پاسخ به سبصد سؤال، ج ۱، موجود در سایت.

۳. بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۳.

۴. جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۰.

آیت‌الله مکارم:

در تمام مساجد معروف شهر که مرتباً در آن اقامهٔ جماعت می‌شود، اعتکاف جایز است.^۱

۷.۶.۳. اعتکاف کردن در غیرمسجد جامع به قصد رجاء

آیت‌الله تبریزی:

اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد. مشروعیت اعتکاف در غیرمسجد جامع ثابت نشده است.^۲

۸.۶.۳. اعتکاف در مسجد جامع روستا یا قصبه

آیت‌الله فاضل:

اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و در مساجد جامع روستا هم صحیح است؛ ولو روستاها به هم نزدیک باشد.^۳

۹.۶.۳. اعتکاف در غیرمسجد جامع (مثل نمازخانهٔ دانشگاه‌ها)

آیت‌الله مکارم:

اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت می‌کنند، و از اعتکاف در سایر مساجد و نمازخانه‌ها خودداری شود. در صورتی که گروه‌های خارج از دانشگاه برای اقامهٔ نماز از جاهای مختلف به مسجد دانشگاه می‌آیند، اعتکاف در آن جایز است.^۴

۱. اعتکاف عبادتی کامل.

۲. استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۳۹، سؤال ۶۵۰.

۳. جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۸۲.

۴. استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸.

۱۰.۶.۳. اعتکاف در مساجد جامع شهرها

آیت‌الله تبریزی:

اعتکاف در مساجد جامع شهرها مشروعیت دارد و اختصاص به مساجد اربعه ندارد.^۱

(۲) آیت‌الله بهجت:

...و مسجد مدائن یا برائنا باشد و این مساجد به حسب ترتیب دارای فضیلت هستند.^۲

۱۱.۶.۳. اعتکاف در مسجد جامع

آیت‌الله نوری همدانی:

مسجد جامع در ردیف مساجد چهارگانه است؛ ولی احوط آن است که در صورت امکان، در یکی از مساجد اربعه باشد.^۳

۷.۳. إذن شوهر، والدین و صاحب‌کار

اگر اجیر خاص^(۱) بخواهد معتکف بشود، باید اجازه از صاحب‌کار بگیرد. و همچنین اعتکاف زن اگر منافات با حقوق شوهر داشته باشد، باید اجازه شوهر را جلب کند.^(۲) و چنانچه اعتکاف فرزند موجب اذیت و آزار پدر و مادر گردد،^(۳) باید رضایت آن‌ها را جلب کند. و اگر منافات با حق شوهر نداشته باشد یا باعث اذیت والدین نشود، نیازی به اجازه گرفتن نمی‌باشد؛ اگرچه احتیاط مستحب^(۴) اجازه گرفتن است؛ خصوصاً نسبت به همسر و پدر.^۴

۱. همان، ص ۱۳۸، سؤال ۶۴۴.

۲. وسیلة النجاة، ص ۳۳۲.

۳. هزارویک مسئله فقهی، ج ۲، ص ۸۱.

۴. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۸.

(۱) اجیر خاص در اینجا یعنی کسی که بخواهد در مدت اجاره‌اش، معتکف شود.

حضرت امام:

هرگاه اجاره به‌گونه‌ای باشد که اجیر اگر معتکف شود، مالک منفعت اعتکاف می‌شود؛ و الا وجوب اذن گرفتن از صاحب کار معلوم نیست، بلکه در بعضی از فروع مسئله، مشخص است که لازم نیست.^۱

آیت‌الله بهجت:

إذن مستأجر نسبت به اجیر خاص برای اعتکاف اجیر لازم است، در آنجایی که اعتکاف منافات با حق مستأجر به واسطه اجاره کار اجیر داشته باشد. و ممکن است بگوییم منع کردن مستأجر باطل‌کننده اعتکاف اجیر است، نه صرف اذن نگرفتن اجیر.^۲

آیت‌الله گلپایگانی:

اگر قرارداد اجاره به‌گونه‌ای باشد که اجیر مالک عمل خودش در این مدت نباشد، اجازه گرفتن شرط صحت اعتکاف است؛ و آلا معصیت کردن اجیر در ترک وفای به قرارداد اجاره، موجب بطلان اعتکاف نمی‌گردد. نهایتاً ضدواجب است.^۳

(۲) حضرت امام:

بنابر احتیاط.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. بهجت، وسیله النجاة، ص ۳۳.

۳. حاشیه عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۸.

۴. حاشیه عروه؛ روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵.

آیت‌الله مکارم:

نسبت به اذن زوج ترک احتیاط نشود.^۱

آیت‌الله بهجت:

در صورتی که اعتکاف او منافی با حق شوهر باشد، اجازه لازم است و با عدم منافات هم.^۲

۱.۷.۳. اجازه پدر و مادر

(۳) آیات عظام گلپایگانی، صافی، خویی، وحید و سیستانی:

اذیت شدن ایشان از روی شفقت و مهربانی بر فرزند باشد. (گلپایگانی و صافی: و آلا اگر نهی کنند و با مخالفت فرزند اذیت شوند، اعتکاف فرزند باطل است).^۳

بنابر احتیاط، بله اگر نهی کرده‌اند و با مخالفت کردن فرزند اذیت می‌شوند، اقوی بطلان اعتکاف است.^۴

آیت‌الله صافی:

در صورت عدم‌ایذاء، اذن والدین شرط نیست. بلی اگر فرزند بداند که پدر یا مادر، از انجام اعتکاف به‌جهت مهربانی و شفقت بر او ناراحت می‌شوند، باید رضایت ایشان را جلب نماید و با نهی آن‌ها، اعتکاف باطل می‌گردد.^۵

آیت‌الله بهجت:

۱. حاشیة عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۴.
۲. بهجت، استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۲.
۳. خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۶۸۰؛ گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷.
۴. حاشیة عروة الوثقی.
۵. پاسخ به سبصد سؤال، ج ۲.

اگر اعتكاف فرزند، مستلزم آزارواذيت آن‌ها باشد، اجازه پدر و مادر لازم است.^۱

آيت الله تبريزي:

در اعتكاف فرزند، اجازه والدين لازم نيست.^۲

حضرت امام و آيت الله فاضل:

در صورتی که موجب آزار والدين گردد، اذن آن‌ها لازم است.^۳
فرزندان بالغ احتياج به اذن ولي ندارند.^۴

۲.۷.۳. اجازه شوهر

پرسش: آیا اذن شوهر در اعتكاف زن لازم است؟

آيت الله مكارم:

بنابر احتياط واجب، از همسرش اجازه بگيرد.^۵

امام خميني و آيت الله سيستاني:

در صورتی که اعتكاف با حق شوهر منافات داشته باشد، بنابر احتياط واجب، اذن همسر لازم است.^۶

آيات عظام خويي، وحيد، بهجت، فاضل و نوري همداني:

۱. بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۲، سؤال ۳۱۳۶.

۲. استفتانات جديد، ج ۱، ص ۱۵۴، سؤال ۷۴۵.

۳. روح الله خميني، تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۵۵۸، السادس؛ فاضل، الاحكام الواضحه، ص ۲۶۹، الخامس؛ بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۲، سؤال ۳۱۳۶؛ خويي و وحيد، منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۳۴۲، الخامس؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۳۴۲، الخامس؛ نوري همداني، تعليقه بر عروه، ص ۱۹۸، السابع؛ صافي گلپايگاني، هداية العباد، ج ۱، ص ۲۳۷، السادس؛ سيدعلي خامنه‌اي، جزوه اعتكاف جامعة الزهراء، ص ۱۰.

۴. مكارم شيرازي، استفتانات، ج ۲، ص ۱۶۰، سؤال ۴۷۱.

۵. مكارم شيرازي، استفتانات، ج ۲، ص ۱۶۰، سؤال ۴۷۱.

۶. سيستاني، منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۳۴۲، الاعتكاف، الخامس؛ روح الله خميني، تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۵۵۸، السادس.

در صورتی که اعتکاف با حق شوهر منافات داشته باشد، اذن همسر لازم است.^۱

آیات عظام خویی و نوری همدانی :

چون روزه در اعتکاف شرط است، اگر زن بخواهد روزه مستحبی بگیرد، بنابر احتیاط واجب اذن شوهر شرط است.^۲

آیات عظام گلپایگانی و صافی:

در صورتی که اعتکاف منافات با حق شوهر نداشته باشد، زن باید برای اصل خروج از منزل و مکث در مسجد از شوهر اذن بگیرد.^۳

۸.۳. استمرار ماندن در مسجد

انسان در مدت اعتکاف باید در مسجد بماند و اگر عمداً و با اختیار و بدون عذر از مسجد خارج شود، اعتکاف باطل می‌شود و فرقی بین علم به حکم و جاهل به آن نیست. اما اگر به خاطر فراموشی^(۱) یا اکراه^(۲) یا ضرورت عقلی یا ضرورت شرعی یا ضرورت عرفی مثل خارج شدن برای قضای حاجت یا غسل جنابت یا استحاضه خارج شود، ایرادی ندارد. و واجب نیست که غسل را در مسجد انجام دهد،^(۳) ولو انجام غسل مستلزم آلوده کردن مسجد نباشد؛ اگر چه احتیاط مستحب این است که در این صورت، در داخل مسجد غسل نماید.

۱. خویی و وحید، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ص ۳۹، *الخامس؛ بهجت، استفتائات*، ج ۲، ص ۴، سؤال ۳۱۳۵؛ *فاضل، الاحکام الواضحه*، ص ۲۶۹، *الخامس؛ نوری همدانی، تعلیقه بر عروة الوثقی*، ص ۱۹۸، *السابع*.

۲. خویی و نوری همدانی، *تعلیقه بر عروة الوثقی*، *السابع*.

۳. صافی گلپایگانی، *به نقل از: جزوه اعتکاف جامعه الزهراء؛ هدایة العباد*، ج ۱، ص ۲۳۷، *السادس*.

و ملاک در عدم خروج از مسجد، صدق عرفی بودن در مسجد است؛ پس خارج شدن بعضی از اجزای بدن مثل دست یا پا و مانند این‌ها اشکالی ندارد (مشهور).^۱

(۱) آیات عظام خوبی و سیستانی:

عدم بطلان با خروج از روی فراموشی مشکل است؛ بلکه بطلان اعتکاف بعید نیست.^۲

آیت‌الله گلپایگانی:

عدم بطلان مشکل است؛ پس ترک احتیاط نشود.^۳

آیات عظام گلپایگانی و صافی:

اشکال است. پس اگر اعتکاف واجب شده باشد، ترک احتیاط نشود به اتمام و اعاده اعتکاف.^۴

آیت‌الله مکارم:

احوط این است که نسیان مضر به اعتکاف است.^۵

آیت‌الله وحید:

در باطل بودن اشکال است.^۶

آیت‌الله بهجت:

اگر زمان طولانی شود، به طوری که صورت اعتکاف به هم بخورد، باطل می‌شود.^۱

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۸.

۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۲؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۱.

۳. حاشیه عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۴، حاشیه مکارم.

۴. گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله صافی، هدایة العباد، ج ۱.

۵. حاشیه عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۴، حاشیه مکارم.

۶. وحید خراسانی، الحاشیه من منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۹.

(۲) آیات عظام گلپایگانی و صافی:

اشکال است. پس اگر اعتکاف واجب شده باشد، ترک احتیاط نشود به اتمام و اعاده اعتکاف.^۲

(۳) امام خمینی:

در مسجد الحرام و مسجد النبی غسل جایز نیست و واجب است با تیمم، از مسجد برای غسل خارج شود.^۳

آیت الله فاضل:

نماز جمعه و تشییع جنازه و اقامه شهادت و... از ضروریات عرفیه هستند.^۴

-
۱. بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۱؛ استقنات، ج ۲، ص ۴۴۴، سؤال ۳۱۴۴ و ۳۱۴۹.
۲. گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف الله صافی، هدایة العباد، ج ۱.
۳. روح الله خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۲۸۸.
۴. الاحکام الواضحة، ص ۲۷۰.



فصل چهارم مسائل شروط اعتکاف

۱.۴. ارتداد

مسئله ۱: اگر معتکف در بین اعتکاف مرتد شود، اعتکافش باطل است، هرچند توبه کند؛ خواه در شب باشد یا در روز، بنا بر احتیاط واجب.^۱

حضرت امام و آیات عظام خویی و گلپایگانی و مکارم:

اظهار و اقوی عدم تفاوت بین شب و روز در این مسئله است.^۲

آیت‌الله مکارم:

برای اینکه اعتکاف عبادتی شبانه‌روزی است و عبادت از کافر صحیح نیست.^۳

آیت‌الله تبریزی:

اعتکافش باطل است.^۴

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۹.

۲. حاشیه عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۵، حاشیه آیت‌الله مکارم.

۳. همان.

۴. استفتانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۵، سؤال ۷۴۸.

۲.۴. عدول از نیت

مسئله ۲: بازگشت و عدول از نیت اعتکاف جایز نیست؛ هر چند هر دو مستحب یا واجب باشد. همچنین تغییر نیت اعتکافی که به نیابت از سوی فلان میّت صورت گرفته، به میّت دیگر یا به انسان زنده جایز نیست؛ همان گونه که تغییر اعتکاف به نیابت از دیگری به اعتکاف برای خویشان یا بالعکس جایز نمی‌باشد (اجماع).^۱

آیت‌الله مکارم:

بنابراین کسی که دو اعتکاف بر اثر نذر و قسم بر او واجب شده و اکنون به نیت انجام اعتکاف نذری معتکف گردیده، نمی‌تواند نیت خود را به اعتکاف دیگر تغییر دهد؛ همان گونه که تغییر اعتکاف استیجاری به اعتکاف برای خویشان یا بالعکس جایز نمی‌باشد.^۲

آیت‌الله تبریزی:

عدول از اعتکاف به اعتکاف دیگر جایز نیست.^۳

۳.۴. نیابت از اکثر

مسئله ۳: در یک اعتکاف، نیابت از چند نفر جایز نیست. آری به عنوان اهدای ثواب اشکالی ندارد. بنابراین صحیح است ثواب اعتکاف را به تعدادی از زنده‌ها یا عده‌ای از اموات یا تعدادی از زنده‌ها و مردگان اهدا کند (اجماع).^۴

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۹.

۲. اعتکاف عبادتی کامل، ۷۳.

۳. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۵، سؤال ۷۴۹.

۴. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۹.

۴.۴. نوع روزهٔ اعتکاف

مسئلهٔ ۴: روزه لازم نیست مخصوص اعتکاف باشد، بلکه با هر روزه‌ای اعتکاف تحقق می‌یابد. بنابراین جایز است اعتکاف با روزهٔ استیجاری^(۱) یا روزهٔ واجب به جهت نذر و مانند آن. حتی اگر نذر اعتکاف کرده باشد که بدین‌وسیله اعتکاف واجب گردیده، می‌تواند روزهٔ استیجاری بگیرد؛ چون بر معتکف، روزه واجب است؛ خواه برای اعتکاف باشد یا برای غیراعتکاف. بلکه حتی در نذر اعتکاف می‌تواند روزهٔ مستحبی بگیرد که قطع آن جایز است. پس اگر روزه را قطع نکرد، اعتکافش تمام است و اگر روزه را قطع کرد، اعتکاف نیز قطع شده و باید از اول شروع کند (مشهور).^۱

حضرت امام و آیت‌الله بهجت:

اگر اعتکاف در روزهای معینی را نذر کند و روزهٔ نذری هم داشته باشد، جایز است روزهٔ نذری را در اعتکاف نذری بگیرد، برای وفای به هر دو نذر. و اعتکاف نذری یا استیجاری در ماه رمضان نیز صحیح است (امام: اگر در بین منصرف نشود).^۲

آیت‌الله بهجت:

اگر اعتکاف به نیابت از دیگری است، احتیاط آن است که روزه نیز به نیابت از او باشد.^۳

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۹؛ تیریزی، استقنانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲. روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳. بهجت، وسیله النجاة، ص ۳۳۲.

آیت‌الله فاضل:

در اعتکاف به نیابت از غیر، کفایت کردن روزه به نیابت از غیر او، محل اشکال و تأمل است؛ چه روزه را برای خودش نیت کند یا برای شخص سومی و چه به صورت اجیر باشد یا ولی یا متبرّع، فرقی نمی‌کند.^۱

۱.۴.۴. روزه نذری یا قضا یا کفاره

آیت‌الله صافی:

معتکف می‌تواند روزه قضا و کفاره و نذر را در اعتکاف به جا آورد و لازم نیست روزه، برای خصوص اعتکاف باشد.^۲

آیت‌الله مکارم:

لازم نیست روزه مخصوص اعتکاف باشد؛ بلکه با هر روزه‌ای اعتکاف تحقق می‌یابد. بنابراین می‌تواند با روزه‌های مستحبی یا روزه قضای ماه رمضان یا روزه کفاره ماه مبارک یا کفاره نذر و عهد و قسم و قتل و مانند آن، معتکف شود. حتی اگر نذر اعتکاف کرده باشد که بدین وسیله اعتکاف واجب گردیده، می‌تواند روزه مستحبی بگیرد.^۳

۲.۴.۴. عدم اعتکاف با روزه استیجاری

آیت‌الله مکارم:

البته یک استثنا وجود دارد و آن روزه استیجاری است که قناعت کردن به آن مشکل است.^۴ لازم نیست روزه برای

۱. حاشیة عروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۲۹.

۲. جواب به سبب مسئله، ج ۱، موجود در سایت.

۳. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۴؛ مکارم، استغفانات، ج ۲، ص ۱۶۲،

سؤال ۴۸۱.

۴. همان.

اعتکاف باشد، بلکه می‌تواند روزه ماه مبارک رمضان یا قضا و مانند آن را به‌جا آورد؛ ولی روزه استیجاری مشکل است.^۱

۵.۴. قطع اعتکاف

مسئله ۵: قطع کردن اعتکاف مستحبی در دو روز اول جایز است؛ ولی با تمام شدن دو روز اول، روز سوم واجب می‌شود و اعتکاف نذری اگر نذر معین باشد، قطع آن جایز نیست؛ و آلا جایز می‌باشد (مشهور).^۲

آیت‌الله فاضل:

روز سوم واجب است؛ مگر وقتی که در هنگام نیت، شرط کند اگر عارضه رخ داد، از اعتکاف منصرف شود و آن عارضه در روز سوم حاصل شود. در اینجا اگر خواست، می‌تواند از اعتکاف باز گردد. و شرط اگر مقارن با نیت نباشد، اعتباری ندارد؛ چه قبل از نیت باشد، چه بعد از شروع در اعتکاف.^۳

آیت‌الله تبریزی:

در صورتی که اعتکاف واجب معین نباشد، در دو روز اول می‌تواند رجوع کند و همچنین اگر شرط رجوع در ابتدا کند، هر وقت خواست، می‌تواند رجوع کند. در غیر این دو صورت نمی‌تواند.^۴

۱. مکارم، استفتائات، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۹.

۳. الاحکام الواضحه، ص ۲۷۰.

۴. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۴۱، سؤال ۶۶۳.

۶.۴. نذر اعتکاف

۱.۶.۴. قصد روزه دیگر در نذر اعتکاف

مسئله ۶: هرگاه نذر کند که در روزهای معینی (مثلاً سه روز اول ماه شعبان) معتکف شود و روزه نذری یا روزه استیجاری نیز برعهده داشته باشد، می‌تواند چنین روزه‌هایی را به‌هنگام اعتکاف نذری به‌جا آورد، تا هم نذر اعتکاف را انجام داده باشد و هم روزه‌های واجب را. البته اگر به‌هنگام نذر اعتکاف، قصدش این باشد که روزه مخصوص اعتکاف بگیرد،^(۱) نمی‌تواند قصد روزه دیگری کند (مشهور).^۱

(۱) آیت‌الله گلپایگانی:

اگر قصد روزه نذری یا روزه استیجاری نکرده باشد؛ و الا بعید نیست که برای اعتکافش مجزی باشد، گرچه به‌خاطر شکستن نذرش، یعنی ترک روزه به‌خاطر اعتکاف، گناهکار باشد.^۲

در مسئله چهارم، فتاوای بعضی دیگر از مراجع در این خصوص گذشت.

آیت‌الله تبریزی:

با هر روزه‌ای می‌توان اعتکاف کرد.^۳

۲.۶.۴. نذر کمتر از سه روز

مسئله ۷: چنانچه نذر کند یک یا دو روز معتکف شود نه بیشتر، نذرش باطل است؛^(۱) ولی اگر قید «نه بیشتر» را ذکر

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۵۵، سؤال ۷۵۰ و ۷۵۳.

نکنند، نذرش صحیح است و باید آن را تا سه روز کامل کند
(مشهور).^۱

(۱) آیت‌الله خوئی:

این در صورتی است که قصد اعتکاف اصطلاحی را داشته
باشد؛ و الا اگر معنای لغوی را قصد کرده، صحیح است.

آیت‌الله بهجت:

چنانچه نذر کند یک یا دو روز معتکف شود نه بیشتر، و
قصدش اعتکاف به معنای لغوی آن نباشد، بلکه قصدش
اعتکاف در اصطلاح متشرعه باشد، نذرش باطل است. ولی
اگر قید عدم‌زیادی را ذکر نکرده باشد، اعتکافش صحیح
است و واجب است آن را تا سه روز کامل کند.^۲

تذکر: در ذیل شرط پنجم (عدد)، به این مسئله نیز
اشاره شده است.

۳.۶.۴. مصادف شدن روز سوم اعتکاف با عید

مسئله ۸: اگر نذر کند سه روز معین یا بیشتر معتکف گردد،
مثل اینکه نذر کند روز ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ ماه مبارک رمضان
را معتکف شود، سپس روز سوم مصادف با عید گردد، مثل
اینکه ماه رمضان در فرض مثال فوق، ۲۹ روز شود،^(۱) چنین
نذری از اصل باطل است و قضا هم ندارد؛ زیرا نذر از ابتدا
منعقد نشده است؛ هر چند قضای آن مطابق احتیاط است
(مشهور).^۳

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۷۹.

۲. وسیلة النجاة، ج ۱، ص ۳۳۳، مسئله ۱۱۹۸.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

(۱) امام خمینی:

و همچنین اگر اعتکاف چهار روز یا بیشتر را نذر کند و روز چهار مثلاً مصادف با عید گردد، در اینجا نذرش باطل است؛ گرچه احتیاط آن است که ماسوای روز عید را از روزهای قبل از عید، بلکه حتی روزهای بعد از عید را هم معتکف شود، به خصوص اگر سه روز یا بیشتر باشند. و اگر بازگشت نذرش به دو اعتکاف باشد و اتفاقاً روز سوم عید گردد، واجب است بعد از روز عید معتکف گردد و اگر روز چهارم عید گردد، واجب است قبلش معتکف باشد.^۱

آیت‌الله تبریزی:

پرسش: کسی نذر کرده ده روز آخر ماه مبارک رمضان را اعتکاف کند. اتفاقاً روز دهم عید فطر اعلام شده است. آیا قضای آن دوباره لازم می‌آید یا خیر؟
پاسخ: قضای آن روز لازم نیست.^۲

پرسش: اگر سه روز یا بیشتر از سه روز معین را برای اعتکاف نذر کند و ناگهان روز سوم با عید تلاقی کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟
پاسخ: نذرش باطل است.^۳

۴.۶.۴. معلق کردن نذر اعتکاف

مسئله ۹: اگر کسی نذر کند روز آمدن زید معتکف شود، نذرش باطل می‌باشد؛^(۱) مگر بداند^(۲) آمدن زید قبل از طلوع فجر است. و اگر نذر کند روز دوم آمدن زید معتکف شود،

۱. حاشیة عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

۲. استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۴۱، سؤال ۶۶۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۵۶، سؤال ۷۵۴.

نذرش صحیح است و واجب است دو روز دیگر هم ضمیمه نماید (مشهور).^۱

(۱) امام خمینی:

بنابر احتیاط، باطل است که این، نشئت گرفته از صحت اعتکاف سه روز تلفیقی است. و احتیاط این است که اگر کسی این گونه نذر کرد، روزی که احتمال دارد از باب مقدمه روزه بگیرد و از زمان آمدن معتکف بشود، پس اگر در بین روز آمد، رجاء معتکف بشود و سه روز را تلفیقاً کامل نماید.^۲

آیت الله خویی:

نذر صحیح می باشد و واجب است از طلوع فجر معتکف بشود، اگر می داند زید در اثنای روز می آید؛ و الا از زمان آمدن زید معتکف بشود و سه روز دیگر به آن ضمیمه کند. البته در همین صورت (نمی داند زید چه موقع می آید)، اگر قصدش اعتکاف از طلوع فجر باشد، نذرش باطل است.^۳

(۲) آیت الله گلپایگانی:

یا خبر گرفتن برایش ممکن باشد که در این صورت، واجب می شود و اگر نذر کرد از زمان آمدن زید معتکف شود و آن روز هم روزه بود، صحیح است و واجب است که سه روز دیگر را ضمیمه نماید، چون اعتکاف تلفیقی اشکال دارد.^۴

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

۲. حاشیه عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

۳. همان.

۴. مکارم، حاشیه عروه، ج ۲، ص ۸۶.

آیت‌الله مکارم:

هرگاه نذر کند که روز بازگشت (مثلاً) پدرش از مکه معتکف شود، چنانچه امکان داشته باشد در آن روز احتیاط کند و از طلوع فجر اعتکاف ببندد، نذرش صحیح است. همچنین اگر یقین داشته باشد که مسافرش قبل از طلوع فجر (اذان صبح) باز می‌گردد. و اگر نذر کند روز پس از ورود مسافرش معتکف شود، بدون شک نذرش صحیح است و باید تا سه روز در حال اعتکاف باشد.^۱

آیت‌الله تبریزی:

سؤال ۷۵۵. اگر کسی نذر کند روز ورود زید را معتکف شود، نذر او صحیح است و باید روزهایی را که احتمال ورود زید را می‌دهد، معتکف شود. و در روزی که زید آمد، باید اعتکاف آن روز را تمام کند و دو روز دیگر به آن ضمیمه کند.^۲

۵.۶.۴. نذر اعتکاف بدون شب

مسئله ۱۰: اگر کسی نذر کند که روزها را معتکف شود، ولی شب‌ها را نباشد، نذرش منعقد نمی‌شود (اجماع).^۳

۶.۶.۴. اعتکاف شب اول در نذر

مسئله ۱۱: در صورتی که نذر کند سه روز یا بیشتر معتکف شود، لازم نیست شب اول هم در حال اعتکاف باشد؛^(۱) اما

۱. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۷، مسئله ۲۷؛ حاشیه عروة الوثقی.

۲. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۶، سؤال ۷۵۵.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

اگر نذر کند یک ماه معتكف شود، شب اول که جزء ماه محسوب می‌شود نیز باید در حال اعتکاف باشد^(۲) (مشهور).^۱

(۱) آیت‌الله خویی:

داخل بودن شب اول، تابع قصد ناذر می‌باشد و اگر نذرش مطلق بوده، بعید نیست که داخل نباشد؛ اگرچه احتیاط مستحب داخل بودن شب اول است.^۲

(۲) آیت‌الله مکارم:

این زمانی است که شخص نذرش منصرف به ایام ماه نباشد؛ بلکه نذر منصرف به خود ماه باشد.^۳

۷.۶.۴. نذر یک ماهه اعتکاف

مسئله ۱۲: اگر کسی نذر کند که یک ماه معتكف شود، می‌تواند از اول ماه تا آخر ماه معتكف شود؛^(۱) ولو ماه ۲۹ روزه باشد؛ اما اگر مرادش مقدار یک ماه بوده است، واجب است ۳۰ روز باشد (مشهور).^۴

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸؛ تیریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۶، سؤال ۷۵۶: اگر کسی اعتکاف یک ماه را نذر کند، آیا شب اول هم جزء همان ماه است؟ جواب: شب اول هم جزء همان ماه است؛ بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۸، سؤال ۳۱۵۸: اگر کسی نذر کند یک ماه را معتكف شود، آیا شب اول هم جزء همان یک ماه است؟ جواب: بلی، شب اول ماه، جزء ماه است.

۲. حاشیة عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

۳. حاشیة عروة الوثقی.

۴. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰؛ تیریزی، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۶، سؤال ۷۵۷: اگر اعتکاف یک ماه را نذر کند و ماه ناقص باشد، تکلیف او ساقط می‌شود یا نه؟ جواب: ساقط می‌شود؛ بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۸، سؤال ۳۱۵۹: کسی نذر کند یک ماه را اعتکاف نماید و ماه ناقص باشد، آیا باید روز سی‌ام را هم بگیرد یا نه؟ جواب: با تمام شدن ماه، وظیفه تمام می‌شود و اعتکاف روز سی‌ام از آخر واجب نیست.

(۱) امام خمینی:

احتیاط آن است که یک روز دیگر را هم ضمیمه کند.^۱

آیات عظام بهجت و فاضل:

احتیاط مستحب اضافه کردن یک روز دیگر می باشد.^۲

آیت الله خویی:

واجب است که یک روز دیگر را هم اضافه کند؛ بنا بر
واجب بودن روز سوم اعتکاف، اگر دو روز قبل را کامل کرده
است.^۳

آیت الله مکارم:

مسئله ۳۱: هرگاه نذر کند که یک ماه معتکف شود، واجب
است یک ماه پشت سرهم معتکف شود. اما اگر نذر کند که
قسمتی از ماه، مثلاً نه روز یا پانزده روز، اعتکاف نماید،
می تواند به طور پراکنده (سه روز سه روز) معتکف شود، تا آن
مقدار که نذر کرده، کامل شود؛ مشروط بر اینکه نذرش
انصراف به روزهای پی در پی نداشته باشد که در این صورت
نیز باید اعتکافش پی در پی باشد.^۴

۸.۶.۴. متوالی بودن اعتکاف در نذر یک ماهه

مسئله ۱۳: اگر اعتکاف یک ماه را نذر کند، واجب است
پشت سرهم بیاورد. و اما اگر به مقدار یک ماه را نذر کرده

۱. حاشیه عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

۲. بهجت، وسیله النجاة، ج ۱، ص ۳۳۳، مسئله ۱۱۹۹؛ فاضل لنکرانی،
الاحکام الواضحه، ص ۲۶۹.

۳. حاشیه عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰.

۴. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۸.

باشد، می‌تواند به صورت متفرقه، سه‌روز سه‌روز آن را به‌جا آورد. بلکه بعید نیست تفریق روز به‌روز نیز جایز باشد،^(۱) به‌گونه‌ای که به هر روز اعتکاف نذری‌اش، دو روز دیگر اضافه نماید. و این یک قاعده کلی است در تمام مواردی که از اعتکاف چندروزه، تابع و پی‌درپی بودن استفاده نشود (مشهور).^۱

(۱) آیت‌الله گلپایگانی:

یا دو روز دو روز که به هر دو روزی، یک روز دیگر اضافه کند. بنابراین جایز است تفریق به‌هر نحو ممکن به‌شرط رعایت اعتکاف روز سوم، هر سه روز.^۲

آیت‌الله خویی:

این مبتنی بر یکی از دو امر است: یا بنابر اعتبار قصد در وفای به نذر و یا در منذور خصوصیتی باشد که آن خصوصیت در روز اول است، نه دو روز بعدش.^۳

آیت‌الله سیستانی:

تفریق ذکرشده در صورت مسئله و مانند آن تحقق پیدا نمی‌کند؛ مگر برای متعلق نذر خصوصیتی باشد که بر غیر روز اول مثلاً منطبق نمی‌شود. از باب مثال، خود اعتکاف را نذر کرده به‌گونه‌ای که روزه‌اش نیز برای اعتکاف باشد، پس روز اول به همین عنوان روزه می‌گیرد و دو روز دیگر را به‌عنوان روزه استیجاری یا مانند آن روزه می‌گیرد. و اگر

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱.

۲. حاشیه عروه، ج ۲، ص ۸۱.

۳. حاشیه عروه، ج ۳، ص ۱۳۱.

چنین تصور نکنیم، به‌ناچار متعلق نذر بر تمام سه روز منطبق می‌شود.^۱

آیت‌الله فاضل:

به اینکه یک روز اعتکاف از نذرش باشد و دو روز دیگر مستحبی، یا واجب بدون نذر به آن اضافه کند. لکن احوط، ترک این تفریق است و بر فرض جواز تفریق روز‌به‌روز، تفریق دو روز دو روز نیز باید جایز باشد.^۲

آیت‌الله مکارم:

مسئله ۳۲: چنانچه نذر کند که یک ماه نامعین یا چندین روز پی‌درپی غیرمعین معتکف شود، چه قید «پی‌درپی» را در صیغه نذر آورده باشد یا چنین از نذرش استفاده گردد، و اعتکاف را شروع کند، سپس یک روز یا بیشتر از ایام اعتکاف را باطل کند، تمام روزهایی که معتکف بوده، باطل می‌شود؛ هرچند روزهایی که به‌طور صحیح در حال اعتکاف بوده، سه روز یا بیشتر بوده باشد و باید اعتکاف را با رعایت تابع و پی‌درپی بودن از سر بگیرد. و اگر نذرش برای ماه یا روزهای معینی بوده و آن را باطل کرده، باید قضای آن را به‌صورت پی‌درپی به‌جا آورد. حتی اگر اعتکاف نذری معین را در آخرین لحظات باطل کند، به‌گونه‌ای که پس از بطلان، هنوز مقداری از زمان اعتکاف باقی مانده باشد، احتیاط آن است که در این صورت نیز قضا کند.

مسئله ۳۰: هرگاه نذر کند که یک ماه قمری معتکف شود و ماهی که در آن معتکف شده، ۲۹ روز باشد، احتیاط

۱. همان.

۲. همان.

واجب آن است که روز اول ماه بعد را نیز بر آن بیفزاید؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً گذشت، هرگاه دو روز بر اعتکافش اضافه کند، اعتکاف روز سوم نیز واجب می‌شود.^۱

آیت‌الله تبریزی:

پرسش ۷۵۸: اگر کسی نذر کند به مقدار یک ماه معتکف شود، آیا می‌تواند اعتکاف‌های یک‌روزه به‌طور متفرق بگیرد؟ پاسخ: در فرض مذکور می‌تواند ده اعتکاف سه‌روزه به‌طور متفرق انجام دهد. و چنانچه نذر کند سی اعتکاف ایجاد کند، باید سی بار یک‌روزه معتکف شود و به هریک از آن روزها دو روز ضمیمه کند که مجموع ایام اعتکاف نود روز شود. و اگر نذر کند یک روز تنها را اعتکاف کند، بدون ضمیمه کردن دو روز دیگر اعتکافش باطل است.^۲

۹.۶.۴. اخلال در نذر اعتکاف متوالی

مسئله ۱۴: اگر نذر یک‌ماهه اعتکاف یا مدت زمانی را به‌صورت پی‌درپی داشته باشد، (فرقی نمی‌کند که این را به‌صورت شرط لفظی در نذر گفته باشد یا به این نیت، نذر را جاری کرده باشد)، سپس یک روز یا بیشتر اخلال در آن ایجاد کند (به اینکه معتکف نشود یا اعتکافش را باطل کند)، کل نذرش باطل می‌شود؛ گرچه آنچه گذشته، سه روز یا بیشتر باشد. و باید از ابتدا با رعایت پشت‌سرهم بودن روزها اعتکافش را انجام دهد.

و اگر نذر روزهای معینی را داشته باشد، سپس در آن، یک روز یا بیشتر اخلال کند، واجب است آن را قضا نماید^(۱)

۱. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۷۸.

۲. استفتانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۶.

و احتیاط آن است^(۲) که پی‌درپی باشد. و اگر مقداری از آن روزهایی که معین کرده بود برای نذر، بعد از باطل کردن آن هنوز باقی باشد، احتیاط آن است که ابتدای قضای نذر را^(۳) از همین باقی‌مانده شروع کند (مشهور).^۱

(۱) آیت‌الله خویی:

بنابر احتیاط.^۲

آیت‌الله فاضل:

یعنی قضای مقداری که نذر کرده، به‌طور کامل.^۳

آیت‌الله سیستانی:

بنابر احتیاط لازم؛ و اما دو احتیاط دیگر که در ذیل می‌آید، لازم نیست.^۴

(۲) آیات عظام گلپایگانی و مکارم:

اقوی این است (مکارم: مفهوم قضا چنین اقتضایی دارد).^۵

(۳) امام خمینی:

گرچه اقوی عدم‌وجوب است.^۶

آیت‌الله بهجت:

هرگاه نذر اعتکاف پیوسته‌ای را در زمانی داشته باشد، سپس به آن اخلال وارد کند یا عمداً یا به‌خاطر عذری، وفای به نذر دیگر ممکن نیست و واجب است آن را از سر بگیرد با رعایت پیوستگی آن. اما صحت نذر در روزهای

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱.

۲. حاشیة عروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. حاشیة عروه، ج ۲، ص ۷۵.

۶. حاشیة عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱.

گذشته، بستگی دارد به اینکه سه روز از اعتکافش را قبل از اخلال انجام داده باشد و داعی و انگیزه او امر فعلی اعتکاف باشد که گمان می‌کرده این امر فعلی ناشی از نذر است و بعد متوجه می‌شود که این چنین نبوده. اما اگر داعی او مقید به نذریّت باشد، اعتکافش باطل است.

و اگر نذر روزهای معینی را داشته، بنابر اظهر لازم نیست استیناف اعتکاف؛ برای اینکه آن روزها معین شده بودند برای روزه (که فرض آن است که روزه گرفته و اخلال به اعتکاف است) و آنچه فوت شده، وصف است (معتکف‌بودن) که تفویت آن موجب کفاره و قضا است؛ بنابر مثل کلی مقید که منطبق نشود بر مصادیق خارجی‌اش نیست.

و آنچه ذکر کردیم (در قسم دوم یعنی نذر روزه معین)، هنگامی است که اخلال به پیوستگی اعتکاف موجب کمترشدن اعتکاف از سه روز نگردد؛ و الا تعیین زمان برای اعتکاف منافات با اعتبار سه‌روزه اعتکاف پیدا نمی‌کند؛ (یعنی باید رعایت سه روز اعتکاف گردد.) پس با انفصال (سه روز) از ابتدا اعتکافش را شروع می‌کند، بنابر اظهر؛ یعنی اعتکاف را به‌گونه‌ای که پیوستگی در آن رعایت شود، قضا می‌نماید.

و اگر مقداری از روزهای معین شده در نذر باقی مانده، ابتدای اعتکاف جدید را از آن‌ها قرار دهد، بنابر احتیاط؛ و در این روزها نیت وظیفه فعلی (مافی الذمه) داشته باشد و در خارج این روزها نیت قضا نماید.^۱

۱. بهجت، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۸ مسئله ۱۴ و ۱۵.

آیت‌الله تبریزی:

اگر کسی نذر کند روزهای معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید، یک روز یا بیشتر، بنا بر احتیاط قضای آن واجب است.^۱

۱۰.۶.۴. اخلال در نذر اعتکاف غیرمتوالی

مسئله ۱۵: در صورتی که نذر کند چهار روز معتکف شود و پی‌درپی بودن را شرط نکرده باشد و این مطلب از نحوه نذر وی نیز استفاده نشود، سپس در روز چهارم کاری که اعتکاف را باطل می‌کند، انجام دهد، باید روز چهارم را قضا کند^(۱) و دو روز دیگر بر آن بیفزاید. و بهتر آن است^(۲) که روز قضا را اولین روز از این سه روز (در نیت خود) قرار دهد؛^(۳) گرچه مختار است هر روز از این سه روز را نیت قضا کند (مشهور).^۲

(۱) آیت‌الله خویی:

تعبیر به قضا، مسامحی است.^۳

(۲) آیت‌الله مکارم:

بلکه احوط این است.^۴

(۳) آیت‌الله سیستانی:

اظهار آن است که اثری در نیت قراردادن نیست؛ بلکه روزه قضا انطباق قهری بر این سه روز پیدا می‌کند.^۱

۱. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱.

۳. حاشیه عروه، ج ۳، ص ۱۳۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۷۶.

آیت‌الله تبریزی:

اگر اعتکاف چهار روز را نذر کرد و پیوستگی آن چهار روز را شرط ننماید و روز چهارم را برخلاف نذرش عمل کند و از اعتکاف خارج شود، باید اعتکاف آن روز را به‌جا آورد و دو روز دیگر به آن ضمیمه کند.^۲

۱۱.۶.۴. نذر اعتکاف پنج روز

مسئله ۱۶: هرگاه نذر کند پنج روز معتکف شود، باید یک روز دیگر بر آن بیفزاید؛ چه پی‌درپی به‌جا آورد، یا به‌شکل ناپیوسته (اجماع).^۳

۱۲.۶.۴. ترک نذر معین

مسئله ۱۷: اگر نذر کند در زمان معینی (مثلاً یک ماه معین از سال، یا روزهای معینی از ماه خاص) معتکف شود، سپس در آن ایام مخصوص به‌خاطر فراموشی یا عمداً و عسیاناً یا بر اثر اضطرار، اعتکاف را ترک کند، قضای آن واجب است.^(۱) و اگر تشخیص ماه‌ها مشکل شود و در نتیجه ماه موردنظر را نتواند به‌طور قطعی مشخص کند، به‌ظن خود عمل می‌کند^(۲) و اگر ظنی نداشت، بین موارد احتمال مخیر است (مشهور).^۴

(۱) حضرت امام و آیات عظام خویی و سیستانی:

بنابر احتیاط.^۵

۱. همان، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۶، سؤال ۷۶۰.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱؛ بهجت، استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۸، سؤال ۳۱۶۱.

۴. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱.

۵. حاشیه عروه، ج ۳، ص ۱۳۲.

(۲) امام خمینی:

محلّ اشکال است و مشکل تر تخییر در فرض عدم ظن است. بلکه اگر حرجی نباشد، احوط جمع بین احتمالات است.^۱

آیت الله خوئی:

بلکه ظاهر وجوب احتیاط است، تا زمانی که اعتکاف حرجی شود. و حکم ظنّ در این مسئله حکم شک است.^۲

آیت الله گلپایگانی:

بلکه باید احتیاط کند، مادامی که حرجی نباشد و در فرض حرج، باید عمل به ظن کند. و اگر ظنی نداشت، آخرین زمانی را که احتمال می دهد منذور بر آن منطبق باشد، انتخاب می کند و آن را به قصد مافی الذمه می آورد، بدون قصد ادا یا قضا.^۳

آیت الله سیستانی:

بلکه باید هر ماهی را سی روز حساب کند، مادامی که علم به نقصان به حسب معمول نداشته باشد.^۴

آیت الله فاضل:

بلکه باید احتیاط کند به جمع کردن بین احتمالات، مادامی که مستلزم حرج نشود؛ بدون فرق بین صورت ظن و عدم آن.^۵

۱. همان.

۲. همان.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۲.

۴. حاشیه عروه، ج ۳، ص ۱۳۲.

۵. همان.

آیت‌الله مکارم:

مگر اینکه احتیاط ممکن باشد و عسر و حرج لازم نیاید؛ که احتیاط واجب آن است مطابق احتیاط عمل کند. و چنانچه به هیچ‌کدام از ماه‌ها ظن ندارد، بین ماه‌هایی که محتمل است، مخیر است.^۱

آیت‌الله تبریزی:

اگر زمان معینی را برای اعتکاف نذر کند، ولی آن اعتکاف را به جهت فراموشی یا نافرمانی یا زیادی اضطرار ترک کند، بنابر احتیاط، قضای آن را به‌جا آورد.^۲

۷.۴. احکام مسجد

۱.۷.۴. وحدت مسجد

در اعتکاف معتبر است وحدت مسجد. بنابراین اعتکاف در دو مسجد جایز نیست؛ خواه متصل به هم باشند یا جدای از هم. بله اگر اتصال به‌گونه‌ای باشد که یک مسجد به حساب آید، اشکالی ندارد (مشهور).^۳

آیت‌الله بهجت:

وحدت مسجد شرط است، مگر در صورت اتصال زمین آن دو مسجد به یکدیگر که می‌تواند در هر کدام باشد؛ هر چند در نیت یکی را معین کرده، بنابر اظهر.^۴

۱. حاشیه عروه؛ اعتکاف عبادتی کامل، مسئله ۳۵.

۲. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳. عروه الوثقی، ج ۲، ص ۸۲.

۴. استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹، مسئله ۳۱۶۲.

آیت‌الله مکارم:

دلیلی بر لزوم وحدت مسجد در اعتکاف اصلاً نیست؛ بنابراین اعتکاف در دو مسجد متصل به هم صحیح است و این کلام بعضی از اعظام فقها نیز بوده است.^۱

آیت‌الله تبریزی:

اعتکاف باید در یک مسجد باشد. در دو مسجد مشروع نیست.^۲

۲.۷.۴. حدوث مانع در مسجد

هرگاه در مسجدی معتکف شود، سپس مانعی پیش آید که ادامهٔ اعتکاف در آن مسجد ممکن نباشد، مثل اینکه مسجد خراب شود، یا امنیت خود را از دست بدهد و مانند این‌ها، اعتکاف باطل می‌شود.^(۱) و اگر اعتکاف واجب بوده، استیناف یا قضای^(۲) آن واجب است، در خود آن مسجد بعد از برطرف شدن مانع یا مسجد دیگر. بنابراین نمی‌تواند بنا را بر مقداری که معتکف شده، بگذارد و پس از برطرف شدن مانع، آن را ادامه دهد؛ چه در همان مسجد یا مسجد دیگر (مشهور).^۳

(۱) آیت‌الله مکارم:

۱. حاشیة عروة الوثقی؛ اعتکاف عبادتی کامل، مسئله ۳۸.

۲. استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۳۹.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۲.

حکم این مسئله از مسئله قبل روشن می‌شود. در نتیجه اعتکافش باطل نمی‌شود، بلکه آن را در مسجد جامع دیگری ادامه می‌دهد.^۱

(۲) آیت‌الله سیستانی

بنابر احتیاط.^۲

۳.۷.۴. حکم پشت‌بام و زیرزمین و مانند آن

پشت‌بام، زیرزمین و محراب مسجد جزء مسجد محسوب می‌شود؛^(۱) مگر اینکه یقین داشته باشیم واقف، آن‌ها را جزء مسجد قرار نداده است. قسمت‌های توسعه‌یافته مساجد نیز حکم مسجد را دارد، به شرط آنکه جزء مسجد محسوب گردد (مشهور).^۳

(۱) حضرت امام و آیات عظام خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی و بهجت:

این موارد در حکم مسجد است؛ مگر علم پیدا شود که خارج از مسجدند.^۴

۱.۳.۷.۴. حکم صحن و حیاط مسجد

حضرت امام و آیات عظام خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی و بهجت:

آنچه به مسجد اضافه می‌شود، مانند دهلیز (صحن و سرای جدید) و مانند آن، این‌ها جزء مسجد نیستند؛ مگر علم پیدا شود که جزء مسجد قرار داده شده است.^۱

۱. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۱.

۲. حواشی عروه؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ص ۳۴۲.

۳. عروه‌الوثقی، ج ۲، ص ۸۲.

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۰؛ گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله الصافی، هدایة العباد؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۵؛ مجموعه استفتانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در

سایت ایشان www.leader.ir

آیت‌الله فاضل:

اگر صحن و حیاط مسجد به گونه‌ای است که در آن نماز می‌خوانند و صیغهٔ مسجدیت در آن خوانده‌اند، مثل مسجد امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در قم، می‌توان در آن توقف کرد؛ و گرنه نباید توقف کرد.^۲

آیت‌الله بهجت:

در حال اعتکاف، نزول به سرداب (زیرزمین) مسجد و رفتن به بام مسجد جایز است؛ ولی مقدار اضافی اگر جزئی‌تش مشکوک باشد، رفتن به آنجا جایز نیست.^۳

آیت‌الله تبریزی:

چنانچه جزء مسجد نباشد، نمی‌شود.^۴

۴.۷.۴. نیت مکان خاصی از مسجد برای اعتکاف

هرگاه مکان خاصی از مسجد را به‌عنوان محلّ اعتکافش تعیین کند، متعین نمی‌شود و چنین قصدی بی‌اثر است؛^(۱) یعنی لازم نیست در طول اعتکاف فقط در همان مکان باشد (اجماع).^۵

-
۱. امام خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۲۹۰؛ *گلیپایگانی و صافی*، *هدایة العباد*، ج ۱، ص ۲۷۷؛ *لطف‌الله صافی*، *هدایة العباد؛ بهجت، وسیلة النجاة*، ص ۳۳۵؛ *مجموعه استفتانات رهبری در سایت ایشان*.
 ۲. *جامع المسائل*، ج ۱، ص ۱۶۰، مسئله ۶۱۸ و ج ۲، ص ۱۸۲، مسئله ۴۵۶.
 ۳. *استفتانات*، ج ۲، ص ۴۴۹، سؤال ۳۱۶۴.
 ۴. *استفتانات جدید*، ج ۲، ص ۱۳۸، سؤال ۶۴۶.
 ۵. *عروة الوثقی*، ج ۲، ص ۸۲.

(۱) امام خمینی:

حتی اگر معین کند پشت‌بام یا طبقه بالا، نه طبقه پایین یا برعکس، اثری ندارد؛ بلکه تعیین جایی خاص در بعض موارد، چه بسا اشکال هم در صحت اعتکاف وارد کند.^۱

۵.۷.۴. مسجدیت قبر مسلم و هانی

قبر مسلم و هانی بنا بر ظاهر، جزء مسجد کوفه نیست (اجماع).^۲

۶.۷.۴. شک در مسجدیت

هرگاه شک کند که فلان قسمت مسجد، حکم مسجد دارد یا از ملحقات و املاک مسجد است، حکم مسجد بر آن جاری نمی‌شود (مشهور).^۳

آیت‌الله مکارم:

مگر اینکه ظاهر حال آن باشد که جزء مسجد است. بنابراین در حیاط مسجدی که معلوم نیست صیغه وقف مسجد بر آن خوانده شده یا نه، نمی‌توان اعتکاف کرد.^۴

۷.۷.۴. راه‌های اثبات مسجد جامع

دو موضوع «مسجد بودن» و «جامع بودن مسجد» از راه‌های زیر ثابت می‌شود: علم وجدانی خود شخص؛ شیاع (شهرت بین مردم) در حدی که علم‌آور باشد؛ بینة شرعی. در کفایت

۱. روح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۲۹۰، مسئله ۸.

۲. *عروة الوثقی*، ج ۲، ص ۸۲.

۳. همان؛ تبریزی، *استفتانات جدید*، ج ۱، ص ۱۵۷، سؤال ۷۶۴.

۴. *اعتکاف عبادتی کامل*، ص ۸۱، مسئله ۴۲.

خبر یک نفر عادل اشکال است^(۱) و حکم حاکم شرعی به
ظاهر^(۲) کفایت می‌کند (مشهور).^۱

(۱) آیت‌الله خویی:

بعید نیست کفایت عدل واحد.^۲

آیت‌الله سیستانی:

خبر عدل واحد کفایت نمی‌کند، مادامی که اطمینان آور
نباشد.^۳

(۲) حضرت امام و آیات عظام خویی و سیستانی:

ثبوتش به حکم حاکم شرعی محلّ اشکال است؛ الا در مقام
ترافع بین متخاصمین.^۴

آیت‌الله مکارم:

دو موضوع «مسجد بودن» و «جامع بودن مسجد» از راه‌های
زیر ثابت می‌شود:

۱. علم و یقین؛ ۲. شیاع موجب یقین؛ ۳. بینة شرعی؛
۴. خبر عادل واحد.^۵ و از طریق حکم حاکم شرع محلّ
اشکال است.^۶

آیت‌الله بهجت:

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۲.
۲. حاشیة عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۲.
۳. همان، ج ۳، ص ۱۳۴.
۴. همان.
۵. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۱، مسئله ۴۳.
۶. حاشیة عروة الوثقی.

مسجدیت یا جزئیت برای آن به: ۱. علم؛ ۲. یا شیوع مفید علم یا اطمینان؛ ۳. یا به بینه؛ ۴. یا به حکم حاکم شرع ثابت می‌شود و در خبر دادن عدل واحد تأمل است.^۱

آیت‌الله تبریزی:

به ۱. علم اطمینان؛ ۲. و اشتهاه بین اهل بلد؛ ۳. و نیز به بینه؛ ۴. و بلکه به خبر عدل و ثقه هم ثابت می‌شود؛ ۵. و همچنین در صورتی که حاکم در مورد ترافع، حکم به مسجد بودن مکانی بکند، مسجد بودن آن ثابت می‌شود.^۲

۸.۷.۴. کشف خلاف در مسجد بودن و جامع بودن

هرگاه در مکانی به اعتقاد اینکه مسجد یا مسجد جامع است، معتکف شد، سپس معلوم شود که مسجد نیست یا مسجد جامع نیست، اعتکافش باطل است (اجماع).^۳

۹.۷.۴. مسجد زنان برای اعتکاف

در اینکه اعتکاف باید در مسجد جامع باشد، تفاوتی بین زن و مرد نیست. بنابراین زنان هم باید در مسجد جامع معتکف شوند و نمی‌توانند در مکانی که در داخل خانه برای نماز اختصاص داده‌اند و همچنین در مسجد قبیله^(۱) و مانند آن معتکف شوند (اجماع).^۴

آیت‌الله مکارم:

یا در مسجدی که نماز جماعت مرتبی ندارد، معتکف شوند.^۵

۱. استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۳، مسئله ۳۱۳۸.

۲. استفتانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۸، سؤال ۷۶۶.

۳. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۲.

۴. همان، ص ۸۳.

۵. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۲، مسئله ۴۵.

۸.۴. اعتکاف بچه ممیز

اعتکاف بچه ممیز که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، صحیح است؛ بنابراین بلوغ شرط اعتکاف نیست (اجماع).^۱

آیت‌الله بهجت:

و اعتکاف صبی ممیز مطلقاً در حکم اعتکاف مردان است، در زمانی که استحباب در حقشان دارد؛ هم از حیث حکم وضعی و هم از حیث حکم تکلیفی، بنابر اقوی.^۲

نکته: مسئله ۲۸ *عروة الوثقی* به جهت عدم ابتلا مطرح نشد. مسئله ۲۹ (برگشت از اجازه پس از آن) هم چون در فرزند و همسر و مانند این‌ها کاربرد دارد، به صورت ذیل طرح شده است:

۹.۴. برگشت از اجازه پس از آن

اگر زن از شوهرش برای اعتکاف اجازه بگیرد یا هر کسی که در اجازه گرفتن حکم زن را دارد،^۳ شوهر و مانند او تازمانی که دو روز از اعتکاف نگذشته است، می‌تواند از اجازه‌اش برگردد؛ اما بعد از گذشت دو روز دیگر نمی‌تواند از اذن خود برگردد، چون تمام کردن اعتکاف در این هنگام واجب می‌شود (اجماع).^۴

۱. *عروة الوثقی*، ج ۲، ص ۸۳.

۲. *وسيلة النجاة*، ص ۳۳۳.

۳. مانند اجازه گرفتن اجیر خاص از مستأجر، اگر منافات با حق او به سبب قرارداد اجاره داشته باشد و مانند فرزند نسبت به والدین، اگر موجب اذیت آن‌ها باشد (*وسيلة النجاة* ج ۱، ص ۳۳۲، مسئله ۱۱۹۳).

۴. *عروة الوثقی*، ج ۲، ص ۸۳؛ *اعتکاف عبادتی کامل؛ وسیلة النجاة*، ج ۱، ص ۳۳۲، مسئله ۱۱۹۳.

۱۰۴. صورت‌های جواز خروج از مسجد

۱. ادای شهادت

امام خمینی و آیات عظام مکارم، صافی و گلپایگانی:

جایز است.^۱

آیات عظام سیستانی و خویی و وحید:

اشکال دارد.^۲

۲. نماز جماعت

امام خمینی:

در غیر مکه اشکال دارد.^۳

آیت‌الله فاضل:

محل اشکال است، حتی در مکه.^۴

آیت‌الله بهجت:

فی الجمله می‌تواند.^۵

۳. تشییع جنازه

آیات عظام خویی، وحید، سیستانی، صافی گلپایگانی، وحید، بهجت و فاضل:

جایز است.^۶

امام خمینی و آیت‌الله مکارم:

۱. روح‌الله خمینی، حاشیه بر عروه، ج ۲، ص ۸۳؛ گلپایگانی، حاشیه بر عروة الوثقی؛ گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷، مسئله ۱۴۱۳.
۲. خویی و وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۳۴.
۳. روح‌الله خمینی، حاشیه بر عروه، ج ۲، ص ۸۳.
۴. حاشیه بر عروه، ج ۳، ص ۱۳۵، کتاب الاعتکاف، مسئله ۳۰.
۵. استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۵.
۶. خویی و وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۳۴؛ گلپایگانی، حاشیه بر عروة الوثقی؛ گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷، مسئله ۱۴۱۳؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۵.

در صورتی جایز است که میّت تعلقی به معتکف داشته باشد،
به گونه‌ای که عرفاً خروجش از ضروریات عرفیه باشد.^۱

۴. نماز جمعه

آیات عظام فاضل، سیستانی، صافی گلپایگانی، بهجت و مکارم:

ظاهراً می‌شود خارج شد.^۲

آیت‌الله تبریزی:

نمی‌توان خارج شد.^۳

۵. استقبال و تودیع مؤمن

آیات عظام خوبی و وحید و سیستانی:

اشکال دارد.^۴

آیت‌الله تبریزی:

جایز نیست.^۵

آیات عظام گلپایگانی و صافی و بهجت:

جایز است.^۶

۶. غسل ام‌داود

آیت‌الله سیستانی:

جایز نیست؛ چون استحبابش ثابت نیست.^۷

۱. روح‌الله خمینی، حاشیه بر عروه، ج ۲؛ استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۰؛ سیستانی، حاشیه عروه، ج ۳، ص ۱۲۵؛ گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷، مسئله ۱۴۱۳؛ بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۵؛ اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۴.

۳. استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۵۴.

۴. خوبی و وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۰۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۳۴.

۵. استفتانات جدید، ج ۲، سؤال ۶۵۸.

۶. گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷، مسئله ۱۴۱۳؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۵.

۷. سایت دفتر آیت‌الله سیستانی.

آیت‌الله مکارم:

احتیاط آن است که این غسل در مسجد انجام شود.^۱

آیت‌الله تبریزی:

نمی‌توان خارج شد.^۲

۷. شرکت در درس

آیات عظام تبریزی، مکارم، صافی گلپایگانی، فاضل و سیستانی:

جایز نیست.^۳

آیت‌الله بهجت:

اشکال ندارد؛ ولی به حدی نرسد که صورت اعتکاف محو شود.^۴

۸. شرکت در امتحان

آیت‌الله مکارم:

شرکت در امتحان در صورت ضرورت اشکال ندارد؛ ولی در اولین فرصت به محل اعتکاف بازگردد.^۵

آیت‌الله وحید:

خروج از محل اعتکاف برای امتحان مهم، ضرورت عرفیه به حساب آمده و مانعی ندارد.^۶

۹. غسل مستحبی

۱. استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳. تبریزی، استفتانات جدید، ج ۲، سوال ۶۴۵؛ مکارم، ج ۲، ص ۱۵۴؛ پاسخ به سیصد مسئله، موجود در سایت آیت‌الله صافی. جامع الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴.

۴. استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۵.

۵. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۶ تا ۱۲۰.

۶. استفتانات آیت الله وحید، موجود در سایت به‌نشانی:

www.vahid-khorasani.i

مقام معظم رهبری و آیت‌الله فاضل:

می‌تواند خارج شود.^۱

آیات عظام مکارم و تبریزی:

جایز نیست.^۲

۱۰. تهیه غذا

آیت‌الله مکارم:

تهیه غذا و شستن ظرف‌ها اگر ضرورت ندارد و فردی هست که این کارها را انجام دهد، جایز نیست.^۳

آیت‌الله تبریزی:

اگر کسی را برای این کارها بگمارد، خودش نمی‌تواند از مسجد خارج شود و آن‌ها را انجام دهد. در غیر این صورت، به مقدار ضرورت می‌تواند خارج شود.^۴

۱.۱۰.۴. حکم ترک سهوی محل اعتکاف

آیت‌الله تبریزی:

ظاهر این است که اعتکافش باطل است.^۵

آیت‌الله مکارم:

باطل نمی‌شود مگر اینکه زمان خروج طولانی شود، به گونه‌ای از صورت اعتکاف خارج شود. ولی اگر عمداً خارج شود، هر چند مسئله را نمی‌دانسته، اعتکافش باطل است.

۱. مجموعه استفتائات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایت ایشان:

www.leader.ir؛ جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۶۱۶.

۲. استفتائات جدید، ج ۲، سؤال ۲۸۲؛ تبریزی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳. استفتائات جدید، ج ۲، سؤال ۲۷۹.

۴. استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۴.

۵. استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۴.

۱۱.۴. حکم جنابت در اعتکاف

هرگاه در مسجد جنب شود و امکان غسل در مسجد نباشد،^(۱) واجب است برای غسل کردن از مسجد خارج شود و اگر بیرون نرود، اعتکافش باطل می‌گردد؛^(۲) به‌خاطر حرمت ماندن جنب در مسجد (مشهور، برخلاف نظر آیت‌الله‌خویی و فاضل).^۱

(۱) آیات عظام خویی و گلپایگانی:

بلکه حتی اگر امکان غسل در مسجد هم باشد.^۲

(۲) آیت‌الله فاضل:

حکم به بطلان، محل اشکال است.^۳

آیت‌الله خویی:

در اطلاق آن منع است. بله، مکث و بودن حرام، جزء اعتکاف نیست.

حضرت امام:

مسئله ۱۰: اگر در مسجد جنب شود، برای غسل کردن واجب است خارج گردد؛ به شرطی که غسل در خود مسجد، بدون ماندن اضافی و آلوده کردن مسجد امکان نداشته باشد. و حکم مسجد الحرام و مسجد النبی نیز قبلاً گذشت. و اگر ترک خروج از مسجد کند، به‌خاطر توقف حرام در مسجد، اعتکافش باطل می‌گردد.^۴

آیات عظام خویی و وحید:

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۳، مسئله ۳۱.

۲. حاشیه عروه، ج ۲، ص ۸۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۳۶.

۴. روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۰.

اگر امکان دارد در مسجد غسل کند و حدث، مانع از ماندن در مسجد نباشد، مانند مسّ میّت (به‌خلاف جنابت)، برای غسل کردن جایز نیست از مسجد خارج گردد.^۱

آیت‌الله سیستانی:

مسئله ۱۰۷۳: اگر امکان دارد در مسجد غسل کند، بنا بر احتیاط لازم نباید برای غسل از مسجد خارج گردد. و این حکم در زمانی است که نوع حدث، مانع از بودن در مسجد نباشد؛ مثلاً مسّ میّت باشد. و اما اگر حدث، مانع از توقف در مسجد بود، مثل جنابت، پس اگر امکان دارد غسل در مسجد بدون مکث و مستلزم حرام دیگری نیز نباشد مثل آلوده کردن مسجد و هتک حرمت آن، بنا بر احتیاط واجب است غسل در مسجد انجام شود؛ و الا جایز نیست مطلقاً؛
گرچه زمان غسل در مسجد کمتر از زمان خروج باشد.

اما نسبت به مسجد الحرام و مسجد النبی، اگر زمان غسل طولانی‌تر از زمان تیمم و زمان خروج از مسجد نباشد، واجب است غسل در مسجد انجام دهد، به شرطی که مستلزم حرامی نباشد؛ و الا واجب است در خارج این دو مسجد غسل کند.^۲

آیات عظام گلپایگانی و صافی و مکارم:

هرگاه در مسجد جنب شود، بنا بر قول اصح، باید برای غسل از مسجد خارج گردد؛ گرچه امکان غسل در مسجد باشد،

۱. خویی و وحید، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ص ۳۱۰.

۲. سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۱، ص ۳۴۳.

بدون مکث و آلوده کردن مسجد. و اگر خارج نشد، به خاطر حرمت توقف جنب در مسجد، اعتکافش باطل می‌گردد.^۱

آیت‌الله صافی:

پرسش ۱۳۱: اگر شخص در ایام اعتکاف، در مسجد جنب شود، چه وظیفه‌ای دارد؟

پاسخ: چنانچه محتمل شده باشد، باید فوری از مسجد خارج شده، غسل جنابت انجام دهد و اعتکافش صحیح است؛ ولی اگر جنابت عمدی و بر اثر استمنا و مانند آن باشد، اعتکاف باطل می‌گردد.^۲

آیت‌الله تبریزی:

پرسش ۷۴۷: انجام غسل در مسجد برای معتکف چه حکمی دارد؟ و آیا بین غسل جنابت و غسل مستحبی دیگر فرقی وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: چنانچه مکث او در مسجد حرام نباشد، مثل مستحاضه و کسی که غسل مس میت برعهده او می‌باشد، اگر بتواند در مسجد غسل کند و موجب تلویث مسجد نباشد، باید در مسجد غسل کند؛ و الا باید در خارج مسجد غسل کند. لکن برای غسل مستحب نمی‌شود از مسجد خارج شد. و چنانچه مکث در مسجد، حرام مثل جنب، اگر زمان غسل کردن در مسجد اکثر از زمان خروج نباشد و بتواند در مسجد غسل کند و موجب تلویث مسجد نباشد،

۱. گلپایگانی و صافی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۸۱، مسئله ۱۴۱۴؛
اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۴؛ حاشیة عروه.
۲. پاسخ به سیصد مسئله، ج ۲، موجود در سایت.

باید در مسجد غسل کند؛ و الا باید خارج شود و در خارج از مسجد غسل کند.^۱

آیت‌الله بهجت:

پرسش ۳۱۶۶: اگر معتکف در مسجد جنب شود، چه باید بکند؟

پاسخ: باید فوراً غسل را به جا آورد. بنابراین اگر غسل در داخل و خارج مسجد ممکن است و غسل در مسجد محتاج توقف و مکث در مسجد است، فوراً خارج شود و در خارج غسل کند. و در دو مسجد پیامبر □ و مسجد الحرام با تیمم خارج شود.^۲

۱۲.۴. غصب در اعتکاف

اگر جایی از مسجد که قبلاً کسی آن را برای خود گرفته بود، غصب کند، به اینکه آن فرد را از آنجا کنار بزند و خود جای آن بنشیند، بنابر اقوی اعتکافش باطل می‌شود.^(۱) و همچنین اگر بر روی فرش غصبی بنشیند. بلکه از نشستن بر زمین مسجدی که با خاک یا آجر غصبی فرش شده است، احتیاطاً اجتناب کند. و اگر اجتناب کردن متوقف بر خروج از مسجد است، احتیاطاً خارج شود. اما اگر با لباس غصبی باشد یا همراهش چیز غصبی باشد، ظاهراً اعتکاف باطل نیست (مشهور).^۳

(۱) آیات عظام گلپایگانی و صافی:

۱. استفتانات جدید، ج ۱، ص ۱۵۴.
۲. بهجت، استفتانات، ج ۲، ص ۴۵۰.
۳. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۴.

اعتکافش بنابر احتیاط واجب باطل است.^۱

حضرت امام:

باطل نشدن خالی از قوت نیست.^۲

آیت‌الله فاضل:

اعتکاف باطل نیست.^۳

آیت‌الله سیستانی:

باطل شدن محلّ تأمل است.^۴

آیت‌الله مکارم:

بطلان اعتکاف به خاطر غضب مکانی از مسجد که معتکف دیگری آنجا را برای اعتکافش در نظر گرفته و وسایلش را در آنجا نهاده، مورد اشکال است. اما اگر بر روی سجادهٔ غضبی معتکف شود، بدون شک اعتکافش باطل می‌شود.^۵

۱۳.۴. فراموشی در غضب

هرگاه بر اثر فراموشی یا ناآگاهی از حکم شرعی^(۱) یا اکراه یا اضطرار، بر چیز غضبی معتکف شود، ضرری به اعتکافش نمی‌زند (مشهور).^۶

(۱) آیات عظام مکارم و گلپایگانی:

مشروط بر اینکه جاهل قاصر باشد.^۷

۱. گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله صافی، هدایة العباد.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۰.

۳. الاحکام الواضحه، ص ۲۷۰.

۴. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۴.

۵. اعتکاف عبانته کامل، ص ۸۲.

۶. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۴.

۷. حاشیة عروه، ج ۲، ص ۹۰، حاشیة مکارم.

۱۴.۴. خارج نشدن در صورت وجوب خروج

اگر خروج از مسجد بر معتکف واجب شود، مثلاً برای پرداخت بدهی یا انجام واجب دیگری که متوقف بر خروج از مسجد است، و از مسجد خارج نشود، مرتکب گناه شده، ولی اعتکافش باطل نمی‌شود (اجماع).^۱

آیت‌الله بهجت:

اگر خروج از مسجد از جهت پرداختن دین و قرض که پرداخت آن بر او واجب است یا به جهت رفتن به کار دیگر که ادای آن متوقف بر خروج از مسجد است، بر او واجب باشد، ولی از مسجد خارج نشود، اگرچه کار حرامی کرده است، ولی اعتکاف او صحیح است.^۲

۱۵.۴. رعایت نزدیک‌ترین راه و زیر سایه رفتن

۱.۱۵.۴. حکم رعایت نزدیک‌ترین راه

احتیاطاً رعایت نزدیک‌ترین راه را بکند (مشهور).^۳

آیت‌الله مکارم:

لازم نیست رعایت نزدیک‌ترین راه را بکند؛ مگر اینکه تفاوت مسیرها بسیار زیاد باشد.^۴

۲.۱۵.۴. حکم توقف و مکث

واجب است به مقدار ضرورت مکث کند (اجماع).

۳.۱۵.۴. حکم نشستن در زیر سایه

واجب است در زیر سایه ننشیند.

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۵.

۲. استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۵.

۳. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۴.

۴. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۵.

۴.۱۵.۴. حکم راه رفتن در زیر سایه احتیاطاً زیر سایه راه نرود.

حضرت امام:

جایز بودنش خالی از قوت نیست.

آیات عظام خویی و مکارم و سیستانی:

اشکالی ندارد.

۵.۱۵.۴. حکم مطلق نشستن

آیات عظام سیستانی و فاضل:

احتیاطاً ننشینند.^۱

آیت‌الله مکارم:

مطلقاً در جایی ننشیند.

۱۶.۴. خروج طولانی

هرگاه بنا بر ضرورتی از مسجد خارج شد و خروجش طولانی گردد، به گونه‌ای که صورت اعتکاف از بین برود، اعتکافش باطل می‌شود (اجماع).^۲

آیت‌الله بهجت:

اگر خروج کسی در موارد ضرورت طول بکشد، به گونه‌ای که صورت اعتکاف محو شود، اعتکاف او باطل است.^۳

۱۷.۴. تفاوت نداشتن اقسام بودن در مسجد

تفاوتی بین انواع توقف و بودن در مسجد نیست. بنابراین می‌تواند بایستد یا بنشیند یا بخوابد یا راه برود؛ زیرا آنچه

۱. عروه.

۲. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۵.

۳. استفتانات، ج ۲، ص ۴۴۵.

لازم است، اینکه به قصد عبادت در مسجد توقف کند، به هر شکلی که باشد (اجماع).^۱

۱۸.۴. طلاق رجعی در اعتکاف

هرگاه مردی همسر معتکفش را طلاق رجعی دهد، بر زن واجب است که برای سپری کردن عدّه طلاق به منزلش بازگردد.^(۱) بنابراین، اعتکافش باطل می‌شود و چنانچه واجب نامعین و غیرمحدود بوده، پس از تمام شدن عدّه باید آن را از سر گیرد. و اگر واجب معین و محدود بود،^(۲) بعید نیست^(۳) که مخیر باشد^(۴) بین تمام کردن اعتکاف، سپس خروج یا باطل شدن اعتکاف و خروج؛ چون دو واجب باهم تزامم کرده‌اند^(۵) و دلیلی بر اهمیت یکی بر دیگری نداریم. اما اگر طلاق بائن باشد، اعتکافش صحیح و خروج از مسجد لازم نیست؛ زیرا واجب نیست زن در عدّه طلاق بائن در منزل مشترک باشد (مشهور).^۲

(۱) آیت‌الله سیستانی:

خروج واجب است، در صورتی که شوهر اجازه تمام کردن اعتکاف را نداده باشد. و این در صورتی است که تمام کردن اعتکاف واجب نباشد و یا فقط به نذر واجب باشد. و الا باید اعتکاف را تمام کند، اگر شرط رجوع نکرده باشد و اگر خروج به منزل واجب باشد و خارج نشود، باطل شدن اعتکافش مشکل است.^۳

۱. پیشین.

۲. همان.

۳. حاشیه عروه، ج ۳، ص ۱۳۷.

(۲) آیت‌الله گلپایگانی:

این حکم در واجب معین، بعد گذشت دو روز است؛ اما در غیر آن، مثل واجب شدن به اجاره و نذر و مانند این‌ها، ظاهر این است که خروج واجب است؛ چون طلاق کشف می‌کند که اعتکاف قبل روز سوم باطل است.^۱

(۳) حضرت امام:

مسئله مشکل و محلّ تردید است.^۲

(۴) آیت‌الله مکارم:

اقوی بطلان اعتکاف و رعایت عده است، مشروط بر اینکه وجوب اعتکاف به خاطر نذر یا اجاره بوده باشد؛ هرچند ما در اصل عبادات استیجاریه اشکال داریم. و اگر به غیر نذر و اجاره واجب شده، احتیاط تقدیم عده است؛ چون اهمیت دارد.^۳

آیت‌الله فاضل:

احتیاط خارج شدن و قضا کردن است.^۴

(۵) آیت‌الله خویی:

در مورد دو روز اول، وجهی برای واجب بودن اعتکاف در این دو روز بر زن نیست؛ مگر به وسیله نذر یا مانند آن واجب باشد که در این صورت اگر شوهر اذن در تمام کردن اعتکاف بر همسر خود داد، باید اعتکاف را تمام کند به خاطر وفای

۱. همان، ج ۲، ص ۸۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۳۷.

به نذر و اگر اذن نداد، باید خارج شود؛ چون کاشف از این است که اعتکاف از اول باطل بوده است. پس بنابر دو تقدیر، تزاممی ندارد. اما در روز سوم، اگر گفتیم وجوب خروج زن به منزل، از احکام عده است و شوهر هم اذن به تمام کردن اعتکاف ن داده است، تزامم بین واجب بودن اعتکاف و وجوب خروج وجود دارد؛ اما اگر وجوب خروج، از احکام زوجیت باشد، اتمام اعتکاف بر او واجب است و خروج لازم نیست، اگرچه شوهر اذن ندهد؛ چون طاعتی در معصیت خداوند بر مخلوق نیست.^۱

آیت‌الله مکارم:

اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند، اعتکافش باطل می‌شود و باید به خانه شوهر برای ادامه عده برود؛ زیرا زن در مدت عده طلاق رجعی نباید از خانه شوهر خارج شود.^۲

۱۹.۴. زمان واجب شدن اعتکاف

همان‌گونه که گذشت، اعتکاف یا واجب معین است یا واجب موسّع و نامحدود از نظر زمان انجام و یا مستحب. اگر واجب معین باشد، مثل اینکه نذر کرده دهه آخر ماه مبارک رمضان امسال را معتکف شود، به مجرد شروع اعتکاف، بلکه قبل از شروع، انجام آن در زمان خودش واجب است و رجوع و عدول از آن جایز نیست. اما در واجب موسّع، مثل اینکه نذر کرده ده روز از ماه مبارک رمضان امسال را

۱. همان، ص ۱۳۸.

۲. استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۶.

معتکف شود و همچنین در اعتکاف مستحبی قبل از تکمیل دو روز اول، حق رجوع و عدول دارد؛ اما پس از گذشت این زمان یا در روز سوم، اعتکاف واجب می‌گردد و رجوع جایز نیست. ولی احتیاط آن است که در این دو، مخصوصاً در واجب موسع، هنگامی که شروع کرد، عدول نکند و آن را به اتمام برساند (اجماع).^۱

۲۰۴. شرط خروج از اعتکاف و شرط منافی

معتکف می‌تواند به‌هنگام نیت اعتکاف، شرط کند که هر زمان خواست حتی در روز سوم، از اعتکاف خارج شود؛ اعم از اینکه خروج از اعتکاف را مشروط به حادث شدن امری کند یا نه؛^(۱) ولی نمی‌تواند شرط کند که منافیات اعتکاف، نظیر هم‌بستر شدن با همسر و مانند آن را در حال اعتکاف انجام دهد. شرط مذکور در مسئله قبل باید به‌هنگام نیت اعتکاف ذکر گردد؛ بنابراین اگر قبل از نیت اعتکاف یا پس از آن گفته شود، اعتباری ندارد، هر چند قبل از شروع روز سوم باشد. هر گاه به‌هنگام نیت، شرط عدول کند، سپس آن را اسقاط کند، این اسقاط تأثیری ندارد؛ هر چند احتیاط آن است که آثار سقوط شرط را جاری کند، یعنی پس از تکمیل دو روز عدول نکند و روز سوم را نیز در اعتکاف بماند (مشهور).^۲

(۱) حضرت امام:

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۶.
۲. همان.

شرط رجوع به طور مطلق حتی بدون حادثی، محلّ اشکال، بلکه منع است. بله عذر، اعم است از عذر عادی مثل آمدن همسر یا عذر دیگر.^۱

آیات عظام مکارم و سیستانی:

و احتیاط آن است که شرط مذکور برای عذری هر چند عرفی باشد.^۲

۲۱.۴. شرط عدول در نذر

همان گونه که شرط عدول به هنگام نیت اعتکاف جایز است، همچنین می توان به هنگام نذر اعتکاف، چنین شرطی را در صیغه نذر گنجاند؛^(۱) مثل اینکه بگوید: «لله علیّ أن أعتکف بشرط أن یکون لی الرجوع عند عروض کذا او مطلقاً.» در این صورت، حق عدول دارد؛^(۲) هر چند به هنگام نیت اعتکاف، آن را شرط نکرده باشد.

پس شرط کردن در هنگام نذر، در جواز عدول کفایت می کند.^(۳) و لکن احتیاط (امام خمینی: احتیاط واجب) این است که این شرط در هنگام شروع اعتکاف ذکر شود. و در این مورد، فرقی بین نذر ایام معین یا غیرمعین و پشت سرهم بودن یا نبودن نیست و در همه این ها عدول جایز است، اگر در نذر شرط کرده باشد. و اگر عدول کرد، دیگر قضا در فرض معین بودن و از سرگیری در صورت غیرمعین بودن لازم نیست.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۱.

۲. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۴.

۳. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۶.

(۱) آیت‌الله گلپایگانی:

شرط کردن عدول در نذر، محلّ تأمل است؛ بلکه منع است.^۱

آیت‌الله مکارم:

البته این شرط در صورتی صحیح است که معنایش نذر اعتکاف مشروط باشد؛ سپس به‌هنگام وفای به نذر، نیت کند آنچه را نذر کرده، هر چند به‌صورت اجمالی، به‌جا آورد؛ تا اینکه اشتراط عدول در حقیقت در نیت اعتکاف باشد. در غیر این صورت، دلیلی بر صحت آن وجود ندارد. ولیکن احتیاط آن است که شرط را به‌هنگام نیت و شروع اعتکاف نیز ذکر کند.^۲

(۲) آیت‌الله خویی:

این در صورتی است که اعتکافش به‌عنوان وفای به نذر باشد؛ و الا عدول در روز سوم جایز نیست. پس اگر مخالفت کرد و در روز سوم عدول کرد، گناه کرده است؛ اگرچه وفای به نذر شده است. و بنابر احتیاط واجب، قضا هم دارد.^۳

(۳) آیت‌الله گلپایگانی:

بلکه کفایت نمی‌کند. پس اگر در اعتکاف شرط نکرده باشد، واجب است که سه روز اعتکاف را تمام کند؛ اگرچه به نذر واجب نیست.^۴

۱. حاشیه عروه، ج ۲، ص ۸۶.

۲. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۷.

۳. حاشیه عروه الوثقی، ج ۳، ص ۱۴۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۸۶.

۲۲.۴. شرط حق عدول و فسخ اعتکاف دیگر

معتکف نمی‌تواند در یک اعتکاف شرط کند که حق عدول در اعتکاف دیگر داشته باشد، همان‌گونه که نمی‌تواند شرط کند که حق فسخ اعتکاف شخص دیگر، اعم از فرزند یا خدمتکار یا فرد بیگانه‌ای را داشته باشد (اجماع).^۱

۲۳.۴. تعلیق در اعتکاف

تعلیق در اعتکاف جایز نیست؛ بنابراین اگر اعتکافش را معلق بر چیزی کند که منافات با تحقق قصد اعتکاف داشته باشد، باطل است. اما اگر آن را معلق بر شرطی کند که به‌هنگام نیت می‌داند آن شرط حاصل خواهد شد، اشکال ندارد و این درحقیقت تعلیق در اعتکاف شمرده نمی‌شود (اجماع).^۲

آیت‌الله مکارم:

تعلیقی که منافی با تحقق قصد اعتکاف باشد، مبطل است، نه مطلق تعلیق.^۳

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۶.

۲. همان.

۳. حاشیه عروه.



فصل پنجم محرمات اعتکاف

۱.۵. آمیزش

آمیزش با همسر، چه دخول در جلو یا عقب و همچنین لمس کردن و بوسیدن همسر به قصد شهوت حرام است.^(۱) و در نگاه با شهوت، احتیاط در ترک است (مشهور).^۱

(۱) آیات عظام خویی و سیستانی و وحید:

در مورد لمس و بوسیدن، احتیاط واجب باطل می کند.^۲ در حرمتش اشکال است و احتیاطاً اجتناب کند (حاشیة آیت الله خویی).

آیت الله مکارم:

در حرمت آمیزش به هنگام اعتکاف، تفاوتی بین آمیزش از جلو و پشت سر نیست و احتیاط آن است که از لمس و

۱. پیشین.

۲. سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۱، ص ۳۴۴؛ وحید خراسانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ص ۳۱۱.

بوسیدن با شهوت نیز خودداری گردد. اما نگاه به همسر از روی شهوت حرام نیست؛ هر چند احتیاط در ترک است.^۱

۲.۵. استمنا

استمنا بنابر احتیاط واجب حرام است (مشهور).^۲

آیت‌الله تبریزی:

اگر معتکف عادت به این داشته باشد که اگر فکر بکند، جنب می‌شود و اگر در حال اعتکاف به فکری فرو رفت و بعد از حرکت منی، منی خارج نشد و جذب شد، در این صورت چنانچه احتمال خروج منی را بدهد، روزه‌اش باطل و اعتکافش نیز باطل می‌شود.^۳

۳.۵. بوییدن بوی خوش

بوییدن بوی خوش و گل‌های خوشبو به قصد لذت حرام است؛^(۱) اما اگر بدون قصد لذت باشد، مثل اینکه فاقد حس شامه باشد، حرام نیست (مشهور).^۴

(۱) آیت‌الله سیستانی:

بوییدن بوی خوش مطلقاً حرام است؛ ولو برای خرید و فروش باشد؛ ولی بوییدن گل‌های خوشبو با قصد لذت حرام است. و کسی که شامه ندارد، اشکال ندارد.^۵

۱. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۸۹.

۲. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. استفتانات جدید، ج ۲، ص ۱۴۰، سؤال ۶۵۷.

۴. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۷.

۵. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۴، مسئله ۱۰۷۸.

حضرت امام:

اگر کسی حسی بویایی دارد، ولی از بوها لذت نمی‌برد، بوییدن برای او اشکال ندارد.^۱

آیت‌الله گلپایگانی:

در عطر مطلقاً احتیاط کند؛ گرچه بدون تلذذ (یعنی لذت‌بردن در این حکم اعتبار ندارد). بلکه اعتبار تلذذ در بوییدن گل بعید نیست.^۲

آیت‌الله مکارم:

بوییدن عطریات و بوهای خوش، هر چند به قصد لذت نباشد، حرام است. مثل اینکه عطری را برای امتحان ببوید.^۳

۱.۳.۵. استنشاق بوی عطر مساجد

آیت‌الله مکارم:

در مساجد معمولاً عطر می‌زنند و گریزی از آن نیست. وظیفه معتکف این است که عمداً استنشاق نکند.

۲.۳.۵. استفاده از غذاها، میوها، مواد شوینده و لوازم شوینده و لوازم آرایشی معطر

آیت‌الله مکارم:

استفاده از غذاها، میوها، مواد شوینده و لوازم شوینده و لوازم آرایشی معطر و همچنین دستمال کاغذی معطر و خلاصه هر چیز معطر، هر چند جزء عطریات و بوی خوش به‌شمار نمی‌رود، برای معتکف در صورتی که عرفاً جزء

۱. حاشیه عروه.

۲. حاشیه عروه.

۳. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۰.

عطریات محسوب نشود، مانعی ندارد؛ ولی بهتر پرهیز از آن است.

۳.۳.۵. صابون‌ها و شامپوهای معطر

آیت‌الله مکارم:

معتکف باید از صابون‌ها و شامپوهای معطر احتیاطاً پرهیز کند.^۱

۴.۳.۵. استعمال عطر و ادکلن

آیت‌الله بهجت:

بوییدن عطر و گل جهت لذت‌بردن از آن‌ها در اعتکاف حرام است.

۵.۳.۵. استفاده از عطر در نماز جهت استحباب (نه برای لذت‌بردن از بوی آن)

آیت‌الله بهجت:

ظاهراً اگر بوییدن صادق نباشد، حرام نیست.^۲

۶.۳.۵. عطرزدن، شانه‌زدن و در آینه نظر کردن

آیت‌الله نوری همدانی:

بوییدن عطریات برای معتکف حرام است؛ ولی شانه‌زدن و نگاه در آینه کردن مانعی ندارد.^۳

۱. پیشین، ص ۱۲۳.

۲. استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳. هزارویک مسئله فقهی، ج ۲، ص ۸۴؛ استفتائات اداره پاسخ‌گویی حرم مطهر در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۵.

۷.۳.۵. استفاده از مواد شوینده معطر و خوشبو
از جمله صابون مایع یا جامد، شامپو، خمیردندان (با
قیود خوشبو بودن)

آیت‌الله صافی:

محل اشکال است.

آیت‌الله وحید:

احتیاط واجب در ترک است.

آیت‌الله مکارم:

احتیاطاً پرهیز کند.

۸.۳.۵. استنشاق بوی عطر مساجد

آیات عظام صافی و مکارم وحید:

در مساجد معمولاً غیرمعتکفین عطر می‌زنند و گریزی از آن
نیست. وظیفه معتکف این است که استشمام عمدی
ننماید.^۱

۴.۵. خرید و فروش

خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت در صورت عدم ضرورت،
بنابر احتیاط واجب بر معتکف حرام است. ولی اشتغال به
کارهای مباح دنیوی، حتی مثل خیاطی و بافتنی و مانند
آن، اشکالی ندارد؛ هرچند ترک آن جز در موارد اضطرار،
مطابق با احتیاط است. هرگاه برای تهیه مواد خوراکی ناچار
از خرید و فروش شود و شخص غیرمعتکفی که این کار را
انجام دهد، نیابد و تهیه اجناس مذکور بدون خرید امکان

۱. هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۳۹، مسئله ۱۴۱۹؛ استفتانات اداره پاسخ‌گویی
در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۵، شماره ۱۱۷۱۹؛ اعتکاف عبادتی کامل،
ص ۱۲۳؛ استفتانات اداره پاسخ‌گویی در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۵،
شماره ۱۱۷۴۱۹.

نداشته باشد، در این صورت خرید و فروش مانعی ندارد
(اجماع).^۱

۵.۵. حکم انشاء عقد بیع و شراء از طریق تلفن همراه

آیات عظام مکارم و وحید و صافی :

اشکال دارد.^۲

۶.۵. جدال

جدال بر سر مسائل دنیوی یا دینی به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، حرام است؛ اما به نیت روشن شدن حقیقت و برطرف کردن خطا و اشتباه طرف مقابل، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه از بهترین عبادات است. بنابراین ملاک قصد و نیت معتکف است؛ چراکه هر کس در گروهی نیت خویش است. و هر چیزی که بر محرم حرام است، مانند شکار کردن و کندن مو و پوشیدن لباس دوخته بر معتکف حرام نیست؛ اگرچه احتیاط مستحب ترک آن است (اجماع).^۳

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۷.

۲. استفتائات اداره پاسخ گویی در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۵، شماره ۱۱۷۴۱۹.

۳. همان.



فصل ششم مسائل محرّمات اعتکاف

۱.۶. عدم فرق در محرّمات بین روز و شب

تفاوتی در محرّمات بر معتکف، بین شب و روز نیست. البته چیزهای که انجام آن بر معتکف حرام است، به خاطر آنکه روزه را باطل می‌کند،^(۱) مانند خوردن و آشامیدن و سر زیر آب کردن، فقط در روز حرام است (مشهور).^۱

(۱) آیات عظام خویی و سیستانی:

در حرمت تکلیفی این موارد در غیرواجب معین، ولو بعد دو روز، اشکال است؛ اگرچه احتیاط واجب حرام است.^۲

آیت‌الله وحید:

در جماع، حرمت تکلیفی و وضعی دارد.^۳

۱. همان، ص ۸۸.

۲. خویی، *منهاج الصالحین*، ج ۱، ص ۲۸۸؛ سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۱، ص ۳۴۵.

۳. وحید خراسانی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲.۶. اشتغال به امور دنیوی

برای معتکف جایز است که به امور مباح دنیوی بپردازد یا به معاش خود رسیدگی کند؛^(۱) چه حاجتی باشد یا نباشد (مشهور).^۱

(۱) آیت‌الله مکارم:

پرداختن به امور دنیوی و مطالعات مربوط به آن برای معتکف جایز است؛ ولی اشتغال به این امور در تمام اوقات اعتکاف مشکل است و شاید با مفهوم اعتکاف از منظر اهل شرع منافات داشته باشد.^۲

تذکر: تمام محرمات احرام بر معتکف حرام نیست؛ بلکه برخی از آن‌ها که اشاره شد، حرام می‌باشد. لذا پوشاندن سر و نگاه به آینه و... حرام نیست.

۳.۶. مبطلات اعتکاف

۱. هر چیزی که روزه را باطل می‌کند، اگر در روز واقع شود، اعتکاف را هم باطل می‌کند؛ چون شرط اعتکاف روزه‌بودن است (اتفاق).

۲. آمیزش جنسی هم اعتکاف را باطل می‌کند؛ اگرچه در شب باشد و همچنین لمس و بوسیدن با شهوت.

آیات عظام خوبی و وحید و سیستانی :

در مورد لمس و بوسیدن، احتیاط واجب باطل می‌کند.^۳

۳. استمناء بنا بر احتیاط واجب.

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۸.

۲. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۲.

۳. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۱.

۴. آیات عظام مکارم و سیستانی:

بوییدن بوهای خوش به قصد لذت بنا بر احتیاط واجب؛ هر چند به قصد لذت نباشد.

۵. خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت بنا بر احتیاط واجب.

۶. جدال به قصد غلبه و اظهار فضل، بنا بر احتیاط واجب.

پرسش: در صورت ارتکاب عمدی محرماتی که احتیاط واجب در بطلان اعتکاف دارند، در صورت ارتکاب عمدی، وظیفه چیست؟

پاسخ: اگر یکی از این محرمات در اعتکاف واجب واقع شد، اگر اعتکاف را تمام کند و دوباره از سر بگیرد یا قضا کند، اولی و بهتر است (مشهور).^۱

حضرت امام:

احتیاط این است که اعتکاف را تمام کند و اگر واجب معین باشد، قضایش را نیز به جا آورد. و در غیر واجب معین، در صورتی که در روز اول و دوم باشد، احتیاط از سر گرفتن است و اگر در روز سوم بوده است، احتیاط آن است که اعتکافی که دارد، تمام کند و دوباره آن را بیاورد.^۲

(۱) آیات عظام گلپایگانی و صافی و بهجت:

اگر اعتکاف واجب است، جمع کند بین تمام کردن اعتکاف و از نو گرفتن آن.^۳

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۸.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۲.

۳. گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف الله صافی، هدایة العباد؛ بهجت، وسیلة النجاة، ص ۳۳۷.

۴.۶. انجام سهوی محرّمات

حضرت امام:

در جماع باطل است و اما در غیر جماع، احتیاط واجب این است اعتکاف را تمام کند و اگر اعتکاف واجب معین باشد، قضا کند و اگر واجب غیر معین باشد، در دو روز اول، دوباره اعتکاف را شروع کند و در روز سوم تمام کند و دوباره اعتکاف کند.^۱

آیات عظام خوبی و وحید:

احتیاط واجب، باطل است؛ مخصوصاً در جماع.^۲

آیت الله سیستانی:

باطل نیست، حتی در جماع.^۳

آیت الله مکارم:

اعتکافش خالی از اشکالی نیست؛ اما اگر آمیزش جنسی کند، هر چند از روی فراموشی باشد، چنانچه اعتکاف واجب باشد، باید پس از اتمام آن، در صورتی که وقت آن محدود بوده، قضای آن را به جا آورد و اگر وقتش وسیع است، بنابر احتیاط واجب آن را از نو شروع کند و اگر مستحب بوده، آن را تمام کند و قضا ندارد.^۴

آیات عظام گلپایگانی و صافی:

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۳.

۲. خوبی، منهاج الصالحین؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵.

۴. اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۲.

در جماع، اعتکاف باطل است و در غیر جماع احتیاط کند بین تمام کردن و دوباره از سر گرفتن اعتکاف یا تمام کردن و قضا کردن.^۱

آیت‌الله تبریزی:

اگر در اعتکاف، یکی از مبطلات آن سهواً انجام شد، صحت اعتکاف در فرض مزبور محلّ اشکال است و به قصد رجا آن را تمام کند.^۲

۵.۶. قضای اعتکاف

هرگاه اعتکاف خود را به سبب ارتکاب یکی از مبطلات اعتکاف باطل کند، چنانچه آن اعتکاف واجب معین بود و وقت آن گذشته، باید قضای آن را به جا آورد.^(۱) و اگر واجب غیر معین بوده، باید آن را دوباره انجام دهد؛ مگر اینکه به هنگام نیت اعتکاف یا اجرای صیغه، نذر به شرط رجوع کرده باشد که در این صورت نیازی به قضا یا اعاده آن نیست. و اگر اعتکافش واجب نبوده، ولی در روز سوم آن را باطل کرده، در اینجا نیز باید قضای آن را به جا آورد.^(۲) اما اگر در روز اول و دوم (قبل از تکمیل دو روز) بوده، وظیفه‌ای ندارد.^۳

آیات عظام سیستانی و وحید:

۱. گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله صافی، هدایة العباد.

۲. استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۳۷.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۹؛ اعتکاف عبادتی کامل مطابق با فتاویٰ آیت‌الله مکارم؛ روح‌الله خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۲۹۲؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۸۸؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف‌الله صافی، هدایة العباد.

احتیاط واجب قضا کند.^۱

۱.۵.۶. حکم ترک اعتکاف در روز سوم به علت حائض شدن یا مریض شدن

آیت‌الله وحید:

چنانچه روز سوم حیض شود، واجب است اعتکاف (سه روز) را قضا نماید؛ یعنی یک اعتکاف کامل به جا آورد. و اگر روز سوم مریض شود، بنابر احتیاط، اعتکاف (سه روز) را قضا نماید یا به مجتهد جامع‌الشرایط که بعد از معظم‌له از دیگران اعلم است، رجوع نماید.^۲

مقام معظم رهبری:

پاسخ اول: در صورت حائض شدن، حتی اگر در ساعات آخر روز سوم باشد، اعتکاف باطل می‌شود و اعتکاف سال بعد بر این شخص لازم نیست.

پاسخ دوم: اگر مریضی به نحوی باشد که روزه گرفتن و اعتکاف مشقت داشته باشد، ترک اعتکاف مانعی ندارد و نیازی به اعاده نمی‌باشد.^۳

آیت‌الله مکارم:

در مورد حائض شدن زن در روز سوم اعتکاف، بدانید که اگر اعتکاف نذری نبوده، احتیاط مستحب آن است که آن اعتکاف را قضا کند؛ هرچند در ماه دیگری باشد و در صورتی که مریض شود، می‌تواند اعتکاف را به هم بزند و

۱. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۵؛ وحید خراسانی، منهاج

الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲. استفتای هیئت علمی اداره پاسخ‌گویی، به شماره ۳۷۲۵۶.

۳. همان، به شماره ۱۳۱۹۹۷.

در صورتی که روز سوم باشد، باید قضا کند و همچنین اگر به‌عنوان نذر بوده، باید قضا کند؛ ولی کفاره ندارد.^۱

۶.۶. عدم فوریت قضای اعتکاف

قضای اعتکاف، واجب فوری نیست؛ هر چند انجام آن در اولین فرصت مطابق احتیاط است (اجماع).^۲

۷.۶. قضای اعتکاف میّت

هرگاه معتکف در اثنای اعتکافی که به سبب نذر یا مانند آن واجب شده، از دنیا برود، قضای آن بر ولیّ میّت واجب نیست؛ هر چند مطابق احتیاط است. بله، اگر منذور روزه باشد، قضای آن بر ولیّ واجب است؛ چون آنچه واجب است، روزه است و اعتکاف از باب مقدمه واجب می‌گردد. اما اگر اعتکاف را نذر کند، روزه در آن واجب نیست؛ بلکه شرطِ صحتِ آن است و آنچه بر ولیّ واجب است، قضای نماز و روزه میّت است، نه تمام عباداتی که از او فوت شده است (اجماع).^۳

۸.۶. باطل نبودن معامله در هنگام اعتکاف

اگر در حال اعتکاف، خرید و فروش انجام دهد، معامله باطل نیست؛ اگر چه اعتکاف باطل باشد (اجماع).^۴

۱. همان.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۹.

۳. همان.

۴. همان؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، مسئله ۱۰۸۳؛ خویی و وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲، مسئله ۱۰۸۱.

۹.۶. کفارهٔ اعتکاف

هرگاه معتکف به سبب آمیزش، هر چند در شب، اعتکاف واجب خود را باطل کند، باید کفاره بپردازد. اما اگر با یکی دیگر از محرّمات، اعتکاف را باطل نماید، کفاره ندارد؛ هر چند پرداخت کفاره در غیر آمیزش نیز موافق احتیاط است؛ بلکه احتیاط^(۱) آن است که در اعتکاف مستحبی، اگر قبل از تکمیل روز دوم باطل شود نیز کفاره بدهد. و کفارهٔ اعتکاف بنا بر اقوی همانند کفارهٔ ماه رمضان است (تخیری). گرچه احوط رعایت ترتیب در آن است، مثل کفارهٔ ظهار (اجماع).^۱

(۱) امام خمینی:

اگر در اعتکاف مستحبی، به وسیلهٔ آمیزش بخواهد از اعتکاف صرف نظر کند، کفاره ندارد؛ اما اگر نخواهد از اعتکاف صرف نظر کند، احتیاط واجب کفاره بدهد.^۲

۱۰.۶. تعدد کفاره

اگر اعتکاف واجب باشد و در ماه رمضان هم باشد و اعتکاف خود را با آمیزش جنسی باطل کند، باید دو کفاره بدهد: یکی برای اعتکاف و دیگری برای افطار روزهٔ ماه رمضان در روز. و همچنین اگر در قضاوی ماه رمضان باشد، دو کفاره دارد: یکی برای اعتکاف و دیگری برای باطل کردن روزهٔ

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶، مسئله ۱۰۸۴؛ خویی و وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۱۲، مسئله ۱۰۸۴؛ روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۲؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ص ۱، ص ۲۷۷؛ لطف الله صافی، هدایة العباد.

۲. حاشیة عروه.

قضای ماه رمضان. و اگر در ماه رمضان نذر اعتکاف کند و در روز ماه رمضان اعتکاف را با آمیزش جنسی باطل کند، سه کفاره دارد: یکی برای باطل کردن اعتکاف و یکی برای افطار روزه ماه رمضان در روز و دیگری برای خلف نذر. و اگر با زنش که در حال اعتکاف در ماه رمضان است، در روز آمیزش کند، احتیاط این است که چهار کفاره دارد؛ گرچه بعید نیست سه کفاره کافی باشد: ^(۱) یک کفاره برای اعتکاف و یکی برای افطار روزه ماه رمضان در روز و یکی برای باطل کردن روزه ماه رمضان زنش در روز. و دلیلی برای تحمل کفاره اعتکاف همسر نداریم. لذا اگر همسر خود را در شب مجبور به آمیزش کند، فقط یک کفاره برای خود دارد و کفاره اعتکاف زن برعهده او نیست. و اگر با رضایت زن باشد، هر کدام دو کفاره دارند، اگر در روز باشد و اگر در شب باشد، یک کفاره دارد (مشهور).^۱

(۱) امام خمینی:

احتیاط مستحب، چهار کفاره بدهد.^۲

آیات عظام خویی، وحید، سیستانی، گلپایگانی و صافی:

احتیاط واجب، چهار کفاره بدهد.^۳

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۹.

۲. روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱.

۳. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۲، مسئله ۱۰۸۴؛ خویی و وحید، منهاج الصالحین، مسئله ۱۰۷۱؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۷؛ لطف الله صافی، هدایة العباد.



کتابنامه

۱. بهجت، محمد تقی، استفتائات، ج ۲.
۲. بهجت، محمد تقی، وسیله النجاة.
۳. تبریزی، جواد، استفتائات جدید، ج ۱ و ۲.
۴. خامنه‌ای، سید علی، مجموعه استفتائات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایت ایشان www.leader.ir
۵. خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، به حاشیه وحید خراسانی، ج ۲.
۷. سیستانی، سید علی، تعلیقه علی العروه الوثقی، ج ۲.
۸. سیستانی، سید علی، مجموعه استفتائات آیت‌الله سیستانی در سایت ایشان www.sestani.org
۹. سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۱.
۱۰. صافی، لطف‌الله، پاسخ به سیصد سؤال، ج ۱ و ۲، موجود در سایت آیت‌الله صافی.
۱۱. صافی گلپایگانی، جامع الاحکام.
۱۲. علیان نژاد، ابوالقاسم، اعتکاف عبادتی کامل مطابق با فتاوی آیت‌الله مکارم.

۱۳. فاضل لنکرانی، محمد، الاحکام الواضحة.
۱۴. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، ج ۱ و ۲.
۱۵. گلپایگانی، سید محمد رضا، هداية العباد، به حاشية لطف الله صافی، ج ۱.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، ج ۲.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تعلیقه علی العروة.
۱۸. نوری همدانی، هزارویک نکته فقهی، استفتائات.
۱۹. یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۲، اسماعیلیان.